

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نسل حسینی

نویسنده: علی ابانباری

سجده

طرح درس کودک و نوجوان

بی شک یکی از مهم ترین مخاطبان مبلغان دینی در ایام تبلیغ، کودکان و نوجوانان هستند؛ اما متأسفانه در بیشتر اوقات از این ظرفیت غافل می شویم و در ایام تبلیغی برنامه ای برای آن ها نداریم. در صورتی که می دانیم پدران و مادرانمان مهربانان را در همین جلسات سیدالشهدا (علیه السلام) به دل گرفته اند و ما را هم با همین هدف به مجالس حسینی آورده اند و رشدمان داده اند. ما نیز فرزندان و نسلمان را سرهمین سفره می بریم و شهد ولایت را در جانمان می نشانیم.

پس، پس از فرزندان اباعبدالله (علیهم السلام)، ما نیز در گسترده این سفره و رونق این سرا نقش داشته و داریم. و چه افتخاری فراتر از این؟ حسین (علیه السلام) با فرزندانش آمد و ما هم با فرزندانمان می آییم. ما وارث ثاراللهیم و وظیفه داریم فرزندان را که با جان و دل در جلسات حسینی می آیند را با مفاهیم عمیق حسینی آشنا کنیم.

از طرف دیگر تجربه های تبلیغی به ما نشان داده است آنچه مانع مبلغ است برای تبلیغ کودکان و نوجوانان، نداشتن محتوایی مناسب برای آن هاست. به همین دلیل طرح درس «نسل حسینی» را باهدف ساده سازی مفاهیم عمیق عاشورا برای کودکان و نوجوانان تدوین کردیم و در اختیار مبلغان گرامی قرار داده ایم.

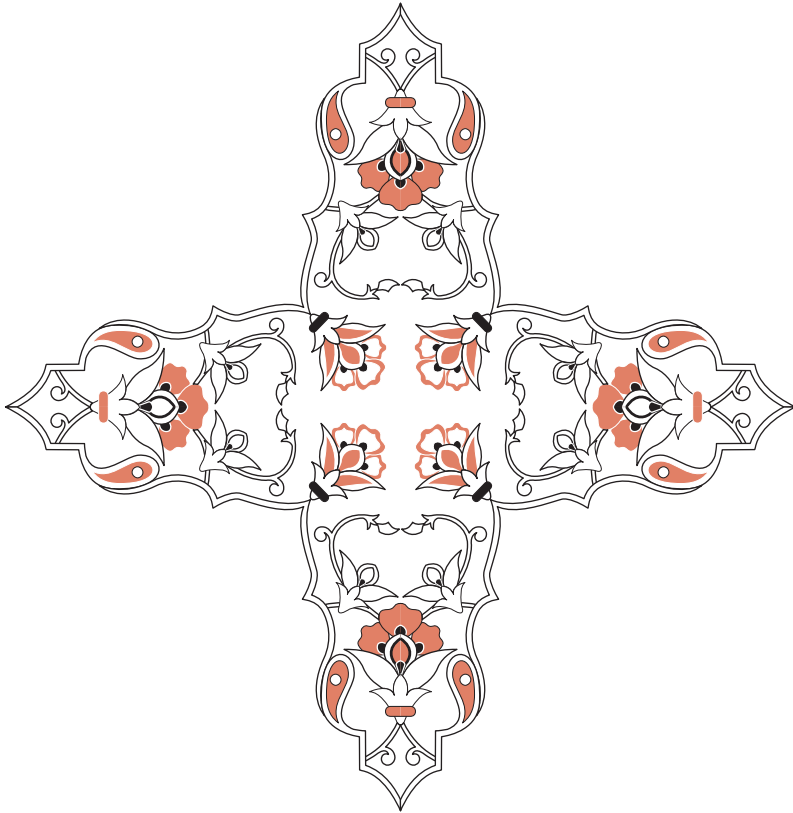
مخاطب اصلی این طرح درس مبلغانی اند که تصمیم دارند برای کودکان و نوجوانان محل تبلیغی خود کلاس هایی برگزار کنند. این طرح درس، خوراک و محتوای تبلیغی مناسبی را در اختیارشان قرار می دهد. گفتنی است متن پیش رو را با زبان محاوره و امروزی نوشته ایم تا مبلغ در کلاس ها از واژه ها و ساختارهای زبانی ساده ای استفاده کند که برای کودکان قابل فهم باشد.



- موضوعاتی که برای این درس‌ها انتخاب شده است عبارت‌اند از:
- ❖ درس اول: شیرینی کنار هم بودن! (تبیین سفارش دین به اجتماع)
 - ❖ درس دوم: به من همکاری بده! (آرامش حقیقی در مسئولیت‌پذیری اجتماعی)
 - ❖ درس سوم: دختران فرشته‌اند! (تبیین جایگاه دختر در اسلام)
 - ❖ درس چهارم: از تنهایی بدم می‌آید! (تبیین بدی تنهایی و رنج آن)
 - ❖ درس پنجم: با هم قوی‌تریم! (تبیین ضرورت همدلی در سختی‌های اجتماعی)
 - ❖ درس ششم: ما همه با هم هستیم! (تبیین برتری فواید جمع‌خواهی بر فردخواهی)
 - ❖ درس هفتم: به کسی نگو، ولی...! (جمعیت، رمز همدلی و هم‌بستگی)
 - ❖ درس هشتم: کشتی نجات! (اجتماع، حول محور اهل‌بیت و امام حسین (ع))
 - ❖ درس نهم: فقط به عشق حسین (ع)! (مواسات، راه نزدیکی به امام حسین (ع))
 - ❖ درس دهم: برای ظهور کاری کنیم! (هم‌بستگی، رمز ظهور حضرت حجت (عج))

امید است که مورد رضایت حضرتش قرار گیرد.

رسم ادب به جای می‌آوریم و در انتها، از تمامی تلاش‌ها و زحمات همه پژوهشگران عزیز که ما را در تهیه و تولید این محتوا یاری نمودند، تقدیر و تشکر ویژه به عمل می‌آوریم و از جان سپاسگزاریم: حجج اسلام رسول احمدی، علیرضا آذربیکان و علی اصغر تار



شیرینی کنار هم بودن!

(سفارش دین به اجتماع)

شروع ابتدای کلاس:

به نام خدای امام حسین (علیه السلام)!

بچه ها سلام!

بوی گلاب و اسفند	پیچیده توی کوچه
گل های سرخ لبخند	خشکیده بر لب ما
دل ها چه سوگوار است	ماه محرم آمد
غمگین و داغدار است ^۱	خورشید هم، از این داغ

تسلیت عرض می‌کنم فرارسیدن ایام عزاداری اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و ۷۲ تن از یاران باوفای حضرت را، خدمت همه شما عزیزان و گل‌های داغدار سیدالشهدا (علیه السلام) و آفرین به شما بچه‌های امام حسینی که هم لباس مشکی به تن کردید و هم در جلسات امام حسین (علیه السلام) شرکت می‌کنید.

اما برای اینکه کلاسمون رو شروع کنیم، بیایید اول از خدا مدد و کمک بگیریم تا ان شاء الله تا روز آخر مثل همیشه خدای هوای ما رو داشته باشه.

من اولش رو میگم، شما بلند بگید «بسم الله». یادتون نره‌ها، بلند بگید «بسم الله».

نام خدا	بسم الله
مشکل گشا	بسم الله
در هر کجا	بسم الله
قبل از غذا	بسم الله
ورد زبان	بسم الله
اول کلاس	بسم الله

خب بسم الله الرحمن الرحيم.



شروع با داستان:

بچه‌ها کی داستان شکارچی و پرنده‌ها رو خونده یا شنیده؟!
یه نکته خیلی مهم می‌خوام از شما بگم که هرکسی که شنیده یا خونده، باز هم باید با دقت بهش گوش بده:

یه روز یه شکارچی برای شکار پرنده‌ها و کبوترها به جنگل میره. شکارچی با خودش یه تور و مقداری دانه می‌بره و تور رو پهن می‌کنه روی زمین و با یه کم علف روی اون رو می‌پوشونه تا کبوترها تور رو نبینند. بعد روی علف‌ها، دانه‌ها رو می‌پاشه و طنابی که به تور وصل بوده رو می‌گیره و می‌ره یه گوشه‌ای قایم (پنهان) می‌شه و منتظر می‌مونه تا کبوترها بیان. یه ذره که می‌گذره، کم‌کم کبوترها پیداشون می‌شه. اونا روی شاخه درخت کنار تور نشسته بودند که چشمشون به دانه‌های روی علف‌ها می‌افته و خیلی خوشحال می‌شن اما نمی‌دونستن که این یه دام و تله است. بین اونا یه کبوتر پیرتر و باهوش‌تری بود. کبوتر داناتر به بقیه کبوترها که محو دانه‌ها شده بودند می‌گه: آهای کبوترها زیر این دانه‌ها، تور شکارچی قرار داره! مبادا نزدیکش بشید! اما متأسفانه توی اون جمع یه کبوتری بود که همیشه با همه مخالفت می‌کرد و همین باعث شد بین کبوترها اختلاف بشه و خیلی هاشون واسه خوردن دانه‌ها به پایین پریدند و شروع کردند به خوردن دانه‌ها. اونا مشغول خوردن بودند که یه دفعه شکارچی بیرون میاد و طناب رو می‌کشه و همه‌گیر می‌افتند. هرچی تلاش می‌کردند که بتونند پرواز کنند، بی‌فایده بود. هر کدوم به یه طرفی بال می‌زد و تلاش می‌کرد اما بی‌فایده بود و موفق نشدند. کبوتر پیر چون خیلی مهربون بود سریع خودش رو به اونا رسوند تا کمکشون کنه. بهشون گفت: ببینید کبوترها تا زمانی که هرکسی واسه خودش تلاش بکنه و به تنهایی بخواهد کار کنه شماها نجات پیدا نمی‌کنید! تن‌ها راهش اینه که متحد بشید و در کنار هم باشید و با هم بال بزنید تا بتونید تور رو بلند کنید. اونا این دفعه دیگه به حرف کبوتر مهربون و دانا گوش دادند و همین کار رو کردند. همین که با هم دیگه متحد شدند و دیدند که تور داره تکون می‌خوره و با تلاش بیشتر موفق شدند تا تور رو بلند کنند و همگی پرواز کردند و از دست شکارچی نجات پیدا کردند. یه دفعه



دیدند شکارچی داره می دوه و توی سر خودش می زنه و با تعجب می گه مگه می شه اینا فرار کنند؟! تا حالا اتفاق نیفتاده بود؟! مگه می شه؟! مگه داریم?!

بچه ها دیدید چه داستان قشنگی بود؟! پس رمز پیروزی در چیه؟ آفرین! در اتحاد و با هم بودن و متحد شدن.

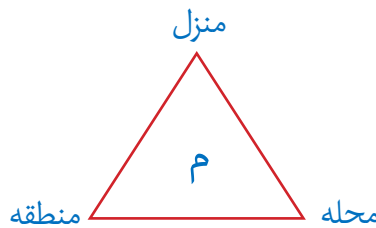
آن قدر با هم بودن مهمه که دین اسلام که بهترین و کامل ترین دین هست، به صورت دائمی برای ما برنامه های جمعی و اجتماعی قرار داده است:

کارهای جمعی همی شگی ← روزانه: نمازهای هر روزمون به جماعت
← هفتگی: نماز جمعه
← سالانه: نماز عید فطر
← عمرانه: حج رفتن

پس ما باید همیشه با هم باشیم و از تنهایی فرار کنیم.

قالب عددی:

شاید براتون سؤال بشه که کجاها می شه اجتماع داشت و باید با هم دیگه بود؟ دوستان، شرکت در کارهای جمعی و اجتماع در سه تا «میم» ممکن است که بهش می گیم: مثلث میم؛



۱. **منزل:** اولین جایی که ما باید با هم باشیم، در منزل و خانواده است. دیدید



توی جشن‌ها و مهمانی‌ها چقدر همه خوشحال‌اند؟ چون کنار هم‌اند. با هم دیگه گفتگو و مشورت می‌کنند. اگه کسی مشکلی داشته باشه می‌گه و با هم حلش می‌کنند. بچه‌ها ما باید توی این جمع‌ها هم شرکت کنیم و هم همکاری داشته باشیم. مثلاً توی خانه با گرفتن نان و جمع کردن وسایل به مادرمون کمک کنیم. یا وقتی بابامون از سر کار میاد بهش شربت یا آب خنک بدیم. یا توی مهمانی‌ها در پهن کردن و جمع کردن سفره یا هر کاری که بزرگ‌ترها گفتند می‌تونیم کمک کنیم.

۲. **محلّه:** بعد از منزل، ما باید در محلمون با هم دیگه اجتماع داشته باشیم، مثل مسجد و حسینیه و مدرسه. توی این جمع‌هاست که با افراد جدید آشنا می‌شیم، با اونا رفیق می‌شیم، رفت و آمد می‌کنیم، احوال هم دیگه رو می‌پرسیم و در کنار هم هستیم.

توی این جمع‌ها هم می‌تونیم حضور فعال داشته باشیم؛ مثلاً توی مسجد می‌تونیم قرآن پخش کنیم و مکتب‌ری کنیم. یا توی هیئت می‌تونیم چایی یا قند پخش کنیم، کفش‌های مهمونای امام حسین (علیه‌السلام) رو جفت کنیم یا حتی با کمک هم دیگه می‌تونیم حسینیه رو تزیین کنیم و پرچم نصب کنیم.

۳. **منطقه:** بعد از حضور در اجتماعات منزل و محلّه، نوبت می‌رسه به اجتماعات بزرگ‌تر از محلّه. مثلاً ما باید در اجتماعاتی که مربوط به کشورمون می‌شه شرکت فعال داشته باشیم و دست‌به‌دست هم بدیم و با یاری و تلاش، میهن خویش را کنیم آباد.

بچه‌ها بنظرتون چه جوری می‌شه توی اجتماعات کشوری شرکت فعال داشت؟ (مشارکت‌گیری از متریان)

آفرین به شما بچه‌های تیزهوش! شرکت در راهپیمایی‌ها، انتخابات، پیاده‌روی‌هایی مثل اربعین و ...

توی این سه تا ما یه چیز رو ثابت می‌کنیم: ما همیشه کنار همیم. ما همیشه پشت همیم. حتی اگه حاج قاسم ما رو هم شهید کنند، ما ملت همیشه با هم هستیم

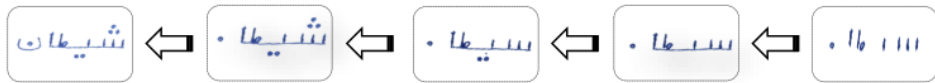
تا مشتی محکم باشه به دهان بدخواهان و دشمنان ما.

پس هرکجا که کار جمعی و متحدانه باشه، آسانی و پیروزی هم به دنبالشه؛ مثل ضد عفونی کردن کوچه ها و مسجد و حسینیه، و یا مثلاً کمک کردن همگی با هم دیگه در هیئت.

اما بچه ها من یه سؤال دارم: وقتی یه برّه یا بزغاله توی کوه و دشت و بیابون، تک و تن ها باشه، چه اتفاقی براش می افته^۱؟ بله درسته، طعمه گرگ می شه و گرگ اونو می خوره!

شاید باورتون نشه اما همین اتفاق می تونه واسه ما آدم ها هم بیافته! نه اینکه بریم توی دشت و گرگ ما رو بخوره ها! نه! ولی اگه ما تن ها باشیم، یکی هست که میاد و ما رو نابود می کنه! برای اینکه بفهمیم کی می خواد ما با هم نباشیم، بیاید این معما رو با کمک هم دیگه حل کنیم:

بنظر شما این عددها^۲ به ما چه چیزی رو یاد میدن؟!



آفرین به شما بچه های باهوش! اونی که می خواد ما رو با هم نباشیم و نابودمون کنه، فقط و فقط شیطان و اگه ما تن ها باشیم، حتماً طعمه گرگی به اسم شیطان می شیم! از کجا اینو می گم؟ از روایت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که می فرمایند^۳: همان طور که گوسفند وقتی از گله جدا شد، گرگ اونو می خوره، انسان هم که از جامعه جدا شد و تن ها شد، طعمه شیطان می شه!^۴

۱- در اینجا مربی می تواند از متربیان جهت مشارکت و افزایش نشاط کلاس استفاده نماید و پس از استماع نظرات آن ها به ادامه بحث بپردازد.

۲- مربی باید به ترتیب، عکس ها را مرحله به مرحله، روی تابلو بکشد و از متربیان جهت حل مسئله کمک و مشارکت بگیرد.

۳- امام علی علیه السلام: وَ الزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ، لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْعَنَمِ، لِلذُّئْبِ؛ با اکثریت جامعه همراه شوید؛ زیرا دست خدا با جماعت است. از پراکندگی پرهیزید که جدا شده از مردم، طعمه شیطان است، همچنان که گوسفند جدا شده از گله، طعمه گرگ است.

۴- سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷



تنوع:

خب بچه‌ها برای اینکه شیطان رو شکست بدیم و پشتش رو به خاک بزنیم، همین الآن همه دست به دست هم بدهید. هرکسی دست کنار دستی اش رو بگیره. آفرین! بچه‌ها ما وقتی دست به دست هم میدیم، یعنی ما با هم هیچ اختلافی نداریم و پشت هم دیگه هستیم. درسته؟ بلندتر: درسته؟ ماشاءالله.

جمع بندی:

خب توی این جلسه فهمیدیم که: اولاً اگر با هم متحد باشیم، مثل کبوترها پیروز می‌شیم. دوماً در اجتماع‌ها مثل مسجد و هیئت و راهپیمایی باید شرکت کنیم.

تکلیف:

برای اینکه شیطان رو ناامید کنیم و کمرش رو بشکنیم، یه کاری که خیلی خیلی خیلی عالی‌ه رو از امشب با هم انجام بدیم و اون کار، شرکت در مسجد و نماز و هیئت است.

دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می‌بریم بالا	با هم دیگه می‌کنیم دعا
خدا ماها رو دوست داره	دعاهامونو قبول داره

✽ خدایا به ما کمک کن که همیشه دل‌های ما کنار هم باشه.

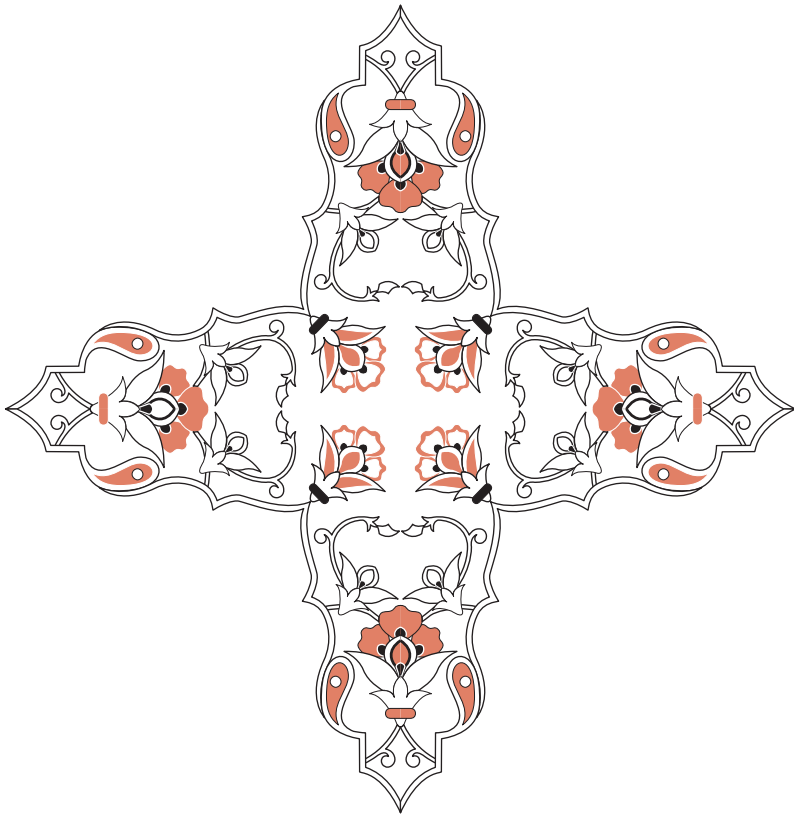
✽ الهی هیچ‌وقت از هم جدا نشیم.

✽ الهی همیشه با هم باشیم.

✽ الهی شیطان که می‌خواد ما با هم نباشیم، نابود بشه.

✽ هر کی دلش می‌خواد شیطان به خاطر اتحاد ما نابود بشه، بلند صلوات بفرسته.

✽ اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



به من همکاری بده!

(آرامش حقیقی در مسئولیت‌پذیری اجتماعی)

شروع ابتدای کلاس:

اول به نام خدا که بنده او هستیم
ما به رسول و آلش صلوات می فرستیم^۱
دوم داره یه هدیه که بهترین کلامه
هدیه برای شما، درسته اون سلامه

بچه های هیئتی و امام حسینی سلام. حالتون خوبه؟ امام حسینی ها همیشه خوبن. کی یادشه توی جلسه قبل درباره چی صحبت کردیم؟ آفرین به شما! گفتیم کار شیطان دور کردن ما از هم دیگه است و ما نباید به حرف شیطان گوش بدیم و باید به حرف دین گوش بدیم که بهترین کار، اجتماع و دور هم بودن است.

شروع با حکایت:

یه روز توی یه مزرعه‌ای، یه موشی از سوراخ دیوار سَرک کشید تا ببینه این همه سروصدا برای چیه. مرد مزرعه دار تازه از شهر رسیده بود و بسته‌ای با خودش آورده بود و زنش با خوشحالی مشغول بازکردن بسته بود.

موش لب‌هایش رو لیسید و با خود گفت: کاش یه غذای حسابی باشه، تا شکمی از عزا در بیاریم!

اما همین که بسته را بازکردن، یه دفعه موش، از ترس، تمام بدنش به لرزه افتاد! چرا؟ چون صاحب مزرعه یه تله موش خریده بود.

موش با سرعت به مزرعه برگشت تا این خبر جدید رو به همه حیوانات مزرعه بگه. موش به هرکسی که می‌رسید، می‌گفت: توی مزرعه یک تله موش آوردن! صاحب مزرعه یک تله موش خریده! حواستون هست چی میگم؟! تله مووووش!

مرغ همین که این خبر رو شنید، بال‌هاش رو تکون داد و گفت: آقای موش، برات متأسفم. از این به بعد خیلی باید مواظب خودت باشی. به هر حال من کاری به تله موش ندارم و تله موش هم ربطی به من نداره.

گوسفند هم وقتی خبر تله موش رو شنید، صدای بلند سرداد و گفت: آقای موش، من فقط می‌تونم دعوات کنم که توی تله نیفتی، چون خودت خوب می‌دونی که



تله موش به من ربطی نداره. مطمئن باش که دعای من پشت وپناه توئه. موش کم کم داشت از همه ناامید می شد اما چون از حیوانات مزرعه، انتظار همدردی داشت، به سراغ گاو رفت. اما گاو هم با شنیدن خبر، سری تکون داد و گفت: من که تا حالا ندیدم یه گاوی توی تله موش بیفته! گاو این رو گفت و شروع کرد به خندیدن و دوباره مشغول چریدن شد.

سرانجام، موش ناامید از همه جا به سوراخ خودش برگشت و در این فکر بود که اگه روزی توی تله موش بیفته، چی می شه؟

در نیمه های همون شب، صدای شدید به هم خوردن چیزی توی خونه پیچید. زن مزرعه دار بلافاصله بلند شد و به سمت انباری رفت تا موش رو که توی تله افتاده بود، ببینه! زن توی تاریکی متوجه نشد که چیزی که توی تله موش تقلا می کرده و تکون می خورده، موش نبوده، بلکه یه مار خطرناکی بوده که دُمش به تله، گیر کرده بود. همین که زن به تله موش نزدیک شد، مار پای زن رو نیش زد و اون موقع بود که صدای جیغ و فریاد زن مزرعه دار به هوا بلند شد. صاحب مزرعه با شنیدن صدای جیغ همسرش، از خواب پرید و به طرف صدا رفت. وقتی زنش رو در این حال دید اون رو سریع به بیمارستان رساند. بعد از چند روز، حال زن بهتر شد. اما روزی که به خونه برگشت، هنوز هم تب داشت. زن همسایه که به عیادت بیمار اومده بود، گفت: برای تقویت بیمار و قطع شدن تب او، هیچ غذایی مثل سوپ مرغ نیست! مرد مزرعه دار که زنش را خیلی دوست داشت، سریع به سراغ مرغ رفت و مرغ رو گشت و ساعتی بعد، بوی خوش سوپ مرغ، توی خونه پیچید!

اما هر چه صبر کردند، تب بیمار قطع نشد. بستگان و فامیل هاش شب و روز به خونه اونا رفت و آمد می کردند تا جویای سلامتی و احوال زن بشن. برای همین، مرد مزرعه دار مجبور شد، سراغ گوسفند بره و گوسفند رو هم قربانی کنه تا با گوشت گوسفند برای میهمانان عزیزش غذا بپزه!

روزها می گذشت و حال زن مزرعه دار هر روز بدتر و بدتر می شد. تا این که یک روز صبح، درحالی که از درد به خودش می پیچید، از دنیا رفت و خبر مُردن زن مزرعه دار، خیلی زود توی روستا پیچید. افراد زیادی توی مراسم خاک سپاری زن، شرکت کردند؛



بنابراین، مرد مزرعه دار برای حفظ آبروش، مجبور شد، از گاوش هم بگذره و با گوشت گاو، غذای مفصلی برای میهمانان دور و نزدیک تدارک ببینه و درست کنه! توی یکی دو روز هم مرغ کشته شد و هم گوسفند و هم گاو!

حالا موش، به تنهایی توی مزرعه جلوی لونه اش نشسته بود و به حیوانات زبون بسته ای فکر می کرد که می گفتند: ما کاری به کار تله موش نداریم! تو خودت هر کاری می دونی بکن! ما کجا و مشکل تو کجا!

دوستان بنظرتون چه اتفاقی افتاد؟ چی شد که همه کسانی که بی خیال بودند یه دفعه کشته شدند؟ آفرین به همگی شما! بچه ها این داستان، برای ما چند تا نکته خیلی مهم داره.

قالب نکته ای!

نکته اول: وقتی نسبت به دیگران، بی مسئولیت باشیم، عواقب آن به مرور زمان، دامن ما را هم خواهد گرفت. وقتی درد دیگران، درد ما نشد، آن درد به ما هم خواهد رسید. وقتی به آرامش دیگران اهمیت ندهیم، کم کم آرامش خود ما هم از بین خواهد رفت. پس از این داستان فهمیدیم که اگر به دنبال آرامش حقیقی هستیم، باید به فکر آرامش دیگران هم باشیم. یعنی اگر به فکر آرامش دیگران بودیم، آرامش واقعی به سمت ما سرازیر خواهد شد.

نکته دوم: دین ما سفارش های زیادی کرده به اینکه ما نسبت به دیگران، باید احساس مسئولیت کنیم. باید دغدغه دیگران رو داشته باشیم. یه روایتی فوق العاده عجیب و غریب هست از پیامبر مهربون ما که حضرت می فرمایند^۲: هرکسی که دغدغه مسلمانان رو نداشته باشه، اصلاً مسلمان نیست! یعنی ما باید نسبت به دیگران، مسئولیت پذیر باشیم. یا امام صادق (علیه السلام) می فرمایند^۳: من اگه بتونم مشکل برادر دینی خودم رو حل کنم، برای من دوست داشتنی تره از اینکه هزار تا بنده رو آزاد کنم و هزار تا اسب رو در راه خدا به جبهه بفرستم.

۱- قالب نکته ای به قالبی گفته می شود که مطالب به صورت نکته های جداگانه به مترجم ارائه می شود.
۲- «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» آنکه صبح کند و دغدغه مسلمانان را نداشته باشد، مسلمان نیست؛ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳- امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر تلاش کنم حاجت برادر دینی خودم را برآورم نزد من محبوب تر از این است که هزار بنده آزاد کنم و هزار اسب را با زین و لگام در راه خدا به جبهه جنگ روانه نمایم؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۶.



پس دین ما می‌گه ما نسبت به دیگران مسئولیم.

نکته سوم: بچه‌ها وقتی به فکر دیگران باشیم و باعث آرامش اونا بشیم، آرامش اونا به ما هم منتقل خواهد شد. اگه توی داستانون، مرغ و گوسفند و گاو نسبت به موش، احساس مسئولیت می‌کردند و به فکر آرامش موش بودند، مطمئناً این بلاها به سرشون نمی‌اومد و ممکن بود کشته نشن. الآن هم در کمال آرامش، به زندگی خود ادامه می‌دادند! بذارید یه مثال بزنم: اگه شما توی یه کشتی باشید و یه نفر به خاطر ناراحتی‌ای که داره و اعصابش خورد شده، شروع کنه به آسیب رسوندن به خودش و کشتی، شما در برابر او مسئولیتی ندارید؟ آرامش او به نفع شما نیست؟ کسی می‌تونه بگه آرامش او به من مربوط نیست؟ مطمئناً اگه او رو آروم نکنیم و به حال خود رهاش کنیم، هم او ضرر می‌کنه و هم تمام کسانی که داخل کشتی هستنند. اگه او آروم نباشه و کشتی رو سوراخ کنه، آرامش همه رو از بین می‌بره و همه رو غرق می‌کنه.

یه مثال دیگه بزنم: اگه خونه همسایه تون آتیش بگیره، شما مسئولیتی در قبال او ندارید؟ شما دو تا کار می‌تونید بکنید:

یا می‌تونید بگید به من چه! به من ربطی نداره! خونه ما که نیست! واقعاً کسی این کار رو می‌کنه؟! مطمئناً آتش به خونه شما نمی‌رسه؟! یا نه، میری به کمک همسایه تون. بقیه بچه‌های محل رو هم می‌بری تا آتیش خونه همسایه رو خاموش کنید. چاره‌ای نداریم که بپذیریم آرامش ما در آرامش دیگران است.

نکته چهارم: شهدای مدافع حرم، بهترین نمونه الآن جامعه ما هستنند که برای آرامش و آسایش و راحتی ما رفتند و جونشون رو به ما هدیه دادند. این مسئولیت‌پذیری شهدا آن قدر اهمیت داشت که رهبر عزیزمون حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره شون می‌فرمایند: "اگر این‌ها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور... اگر جلوی‌ش گرفته نمی‌شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم."

این مسئولیت‌پذیری شهدا بود که باعث به جنگ با دشمن برونند. شهدا حواسشون به خیلی چیزها بود. حاج محمدابراهیم همّت، یکی از فرماندهان و شهدای ۸ سال جنگ تحمیلی است. مسئولیت‌پذیری حاج همّت آن قدر بالا بوده که می‌گه: "ما در قبال تمام کسانی



که به گناه می‌افتند، مسئولیم!" ببینید مسئولیت‌پذیری شهدا را تا چه اندازه بوده است!

جمع‌بندی:

پس یادمون نره که آرامش حقیقی در مسئولیت‌پذیری نسبت به دیگران است. یعنی اگر به دنبال آرامش هستیم، باید درد دیگران درد ما هم باشد، شادی آن‌ها شادی ما باشد، و غم آن‌ها نیز غم ما باشد.

تکلیف:

دوستان خوبم می‌خواهم برای جلسه بعدی، همه‌تون توی یه کاغذ بنویسید که ما نسبت به همسایه و دوستانمون چه مسئولیت‌هایی داریم.

دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می‌بریم بالا	با هم دیگه می‌کنیم دعا
خدا ماها رو دوست داره	دعاهامونو قبول داره

❖ خدایا به ما آرامش بده.

❖ خدایا به ما کمک کن که برای آرامش دیگران تلاش کنیم.

❖ خدایا به ما کمک کن که بفهمیم باید غم و شادی دیگران، غم و شادی ما هم باشه.

❖ خدایا ما را در مسئولیت‌پذیر بودن نسبت به همه مردم کمک کن.

❖ ان‌شاءالله خدا به همه ما آرامش واقعی بده صلوات.

❖ اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



دختران فرشته اند!

(تبیین جایگاه دختر در اسلام)

شروع ابتدای کلاس:

نامه ام را می‌گذارم باز بر دوش نسیم	راه دشوار است بسم الله الرحمن الرحیم
سلام چه خوب و زیباست	کلام اول ماست
به هرکسی می‌رسیم	کلام اول ماست

بچه‌های امام حسینی سلام. امشب همان طور که می‌دونید شب حضرت رقیه (سلام الله علیها) است. برای شادی حضرت رقیه (سلام الله علیها) و ان شاء الله که حضرت به همه پدرها و مادرها سلامتی بدهد، همه با هم بلند صلوات می‌فرستیم.

شروع با شعر:

می‌خوام یه سؤال بپرسم، با دقت به این شعری که می‌خونم گوش بدید.	
آرزو کردم خدا را گوهری	سالم و زیبا نگارین اختری
بر سرم اوریخت یک دنیا گهر	داد ما را او ز رحمت دختری
دختری مانند گل زیبا و پاک	از همه ناراستی‌ها او بری
او گل کاشانه ما می‌شود	می‌کند بر ماهتاب او سروری

حالا سؤال: بنظرتون موضوع این شعر درباره چی بود؟ آفرین تیزهوشان! در مورد دختر بود. نقش دختر آن قدر مهمه که امشب که شب سوم محرم است، به اسم دختر امام حسین (علیه السلام) نام‌گذاری شده است. کی می‌دونه اسم این دختر نازنین امام حسین (علیه السلام) چیه؟ احسنت به همگی! حضرت رقیه (سلام الله علیها).

ای وای ای یه چیز خیلی بد یادم افتاد! خیلی خیلی بد! بچه‌ها می‌دونید زمان قبل از اسلام، دخترها رو بی‌گناه می‌کشتند؟! واقعاً که آدم‌های بدی بودند. اما وقتی دین اسلام اومد، همه چی عوض شد. پیامبر مهربان ما واسه دخترها خیلی اهمیت قائل می‌شد. شاید باورتون نشه اما توی دین ما دخترها آن قدر با ارزش‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره شون می‌فرمایند: دخترها، گل‌های خوشبو هستند. یا می‌فرمایند: دخترها مایه رحمت هستند. تازه اینا که چیزی نیست، حضرت می‌فرمایند: مادر خوب اون مادریه که



بچه اول اون دختر باشه. از همه اینا عجیب تر، روایت پیامبره که می فرمایند: هر کس یک دختر داشته باشد، خداوند، او را پوششی از دوزخ قرار می دهد و هر کس دو دختر داشته باشد، به خاطر آن وارد بهشت می شود و هر کس سه دختر یا مانند آن خواهر داشته باشد، جهاد و صدقه از او برداشته می شود!

دیدید چقدر دخترها در دین ما یعنی دین اسلام با ارزش اند! راستی در کربلا هم چند تا دختر خیلی خوب حضور داشتند. کی می تونه اسم چندتا شون رو نام ببره؟

۱. حضرت رقیه (سلام الله علیها)

۲. حضرت سکینه (سلام الله علیها)

۳. حمیده دختر حضرت مسلم (ع)

۴. دختر حضرت عباس (ع)

... ۵

کی داستان دختر حضرت مسلم رو شنیده؟ اسمش حمیده بود. امام حسین (علیه السلام) دایی حمیده بود. وقتی خبر شهادت حضرت مسلم به امام حسین (علیه السلام) رسید، امام حسین (علیه السلام) خیلی ناراحت شد. حضرت به خیمه ها برگشت. حمیده، دختر حضرت مسلم رو که خیلی دوست داشت، صدا زد. مثل یه دایی مهربون، حمیده رو روی زانوهایش نشاند و شروع کرد به نوازش کردن.

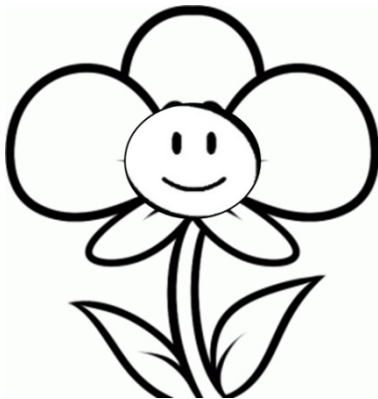
امام حسین (علیه السلام) عاشق دختر بچه ها بود. دخترها در دین ما خیلی با ارزش اند.

قالب عددی - نمادین:

بچه ها یه روایتی هست که فوق العاده قشنگ و زیباست! پیامبر مهربانی ها می فرمایند: دختر مثل گل خوشبو است. یعنی لطیف و باطراوت است. یعنی مثل گل که باید ازش مراقبت کرد، باید از دختر هم خوب مواظبت کرد، تا همیشه سالم و شاداب و سرزنده و سرحال بمونه.



بنظرتون دختران چه جوری باید مواظب خودشون باشند؟
به خاطر اینکه حضرت رقیه (سلام الله علیها) در کربلا تقریباً ۳ سالشون بوده، منم می‌خوام ۳ تا ویژگی خیلی مهم از دخترها رو بهتون یاد بدم. کیا دلشون می‌خواد امام حسین (علیه السلام)، مثل دختر حضرت مسلم، دوستشون داشته باشه؟ هر کی دلش می‌خواد امام حسین (علیه السلام) دوستش داشته باشه باید مثل این گل ما که ۳ تا گلبرگ داره، ۳ تا ویژگی خوب داشته باشه.



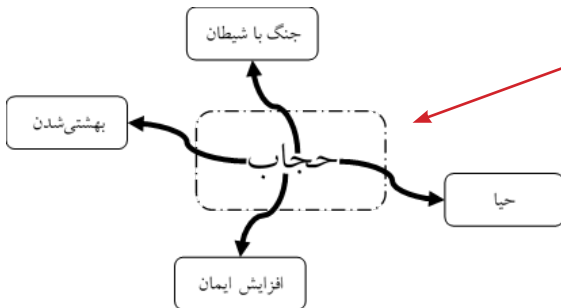
بچه‌ها حتماً انجامش بدید تا باعث بشه امام حسین (علیه السلام) شما رو هم دوست داشته باشه.
هر کی آماده است به عشق حضرت رقیه (سلام الله علیها) بلند بگه: یا رقیه (سلام الله علیها).

بریم سراغ ۳ ویژگی دختران خوب و امام حسینی.
به نظر شما اولین ویژگی دختری که امام حسین (علیه السلام) دوستش داره چیه؟

آفرین به شما!

۱. دختر باید با حجاب باشه.

بچه‌ها کی می‌دونه حجاب یعنی چی؟^۱ حجاب خیلی معناهای مهم و دقیقی داره:^۲



دختران با حیا، با حجابشون هم به جنگ شیطان میرن هم ایمانشون بیشتر می‌شه هم امام حسین (ع) رو شاد می‌کنند هم به بهشت میرن

یادمون باشه توی سخت‌ترین شرایط هم باید حواسمون به حجاب باشه. زمان جنگ،

۱- مربی باید پس از استماع نظرات مترجمان، سراغ قالب نمادین برود.
۲- روش اجرای قالب نمادین: مربی ابتدا کلمه حجاب را پای تابلو نوشته، سپس به ترتیب، هر حرف را مشخص کرده و برای آن توضیحات مربوطه را ارائه می‌دهد.



یکی از قشرهای زحمت کش، پرستاران بودند که الآن هم در کرونا در بیمارستان ها زحمت می کشند. اولاً سلامتی همه شون یه صلوات بفرستیم. دوماً خانم موسوی یکی از پرستاران زمان جنگ است که خاطره ای عجیب داره؛ با دقت گوش بدید. خانم موسوی میگه:

”یادم می آید یک روز که در بیمارستان بودیم، حمله شدیدی صورت گرفته بود. به طوری که از بیمارستان های صحرایی هم مجروحین زیادی را به بیمارستان ما منتقل می کردند. اوضاع مجروحین به شدت وخیم بود. در بین همه آنها، وضع یکی شان خیلی بدتر از بقیه بود. رگ هایش پاره پاره شده بود و با این که سعی کرده بودند زخم هایش را ببندند، ولی خونریزی شدیدی داشت. مجروحین را یکی یکی به اتاق عمل می بردیم و منتظر می ماندیم تا عمل تمام شود و بعدی را داخل ببریم.

وقتی که دکتر اتاق عمل این مجروح را دید، به من گفت که بیاورمش داخل اتاق عمل و برای جراحی آماده اش کنم. من آن زمان چادر به سر داشتم. دکتر اشاره کرد که چادرم را در بیاورم تا راحت تر بتوانم مجروح را جابه جا کنم.

همان موقع که داشتم از کنار او رد می شدم تا بروم توی اتاق و چادرم را در بیاورم، مجروح که چند دقیقه ای بود به هوش آمده بود به سختی گوشه چادرم را گرفت و بریده بریده و سخت گفت: من دارم می روم که تو چادرت را در نیاوری. ما برای این چادر داریم می رویم! چادرم در مشتش بود که شهید شد.

از آن به بعد در بدترین و سخت ترین شرایط هم چادرم را کنار نگذاشتم.“

۲. دختر باید عقیفه باشه.

عقیفه یعنی چی؟ یعنی کسی که رفتار زشت و بد نداره. پس وقتی شما در مقابل دیگران هیچ زشتی و بدی از خودتون نشون نمی دید، یعنی شما آدم باعفتی هستید.

۳. همکار و همراه مادر باشه.

بنظرتون اگه کسی به پدر و مادرش کمک کنه، پیامبران و امامان خوشحال نمی شن؟! مطمئناً همگی خوشحال می شن. خب الآن یه راه ساده و خوب برای اینکه امام حسین (علیه السلام) دوستمون داشته باشه اینه که کمک حال خانواده مون مخصوصاً مادرمون



در کارهای خانه باشیم. آقاپسرهای گل، کمک پدرشون کنند و دخترخانم‌های نازنین، کمک مادرشون. اگه یه دختر خانمی براش سؤال بشه که کی گفته ما دخترها باید به مادرمون کمک کنیم، روایت پیامبر مهربونمون رو براش می‌خونیم که حضرت فرمودند: دختران، دلسوز و مددکار و بابرکت‌اند. مددکار یعنی چی بچه‌ها؟! آفرین! یعنی کمک‌کار و کمک‌حال.

خب گل و گلبرگ ما هم کامل شد. پس دختر خوب دختری است که سه تا گلبرگ رو با هم داشته باشه: یعنی هم باحجاب باشه، هم باعفت باشه و هم کمک‌کارِ مامانش باشه.

جمع‌بندی:

توی این جلسه گفتیم که:

۱. اسلام برای دختران خیلی ارزش قائل است.
۲. دختران باید ارزش خودشان را حفظ کنند.
۳. حجاب، به دختر ارزش می‌دهد.
۴. دختر باید سه تا کار انجام بده: باحجاب باشه و باعفت و کمک‌حالِ مادر.

تکلیف:

بچه‌ها امروز می‌خواهیم سومین گلبرگ رو به صورت عملی با هم انجامش بدیم و البته برای همیشه نباید ترکش کنیم. از امروز به بعد که قراره ما در خانه مسئولیت پذیر باشیم، باید حواسمون باشه که همه‌جوره به مادرمون در پهن کردن و جمع کردن سفره کمک کنیم. پس تکلیف این جلسه مون شد: کمک به پهن کردن و جمع کردن سفره؛ تا هم مادرمون خوشحال بشه و هم امام حسین (علیه‌السلام).



دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

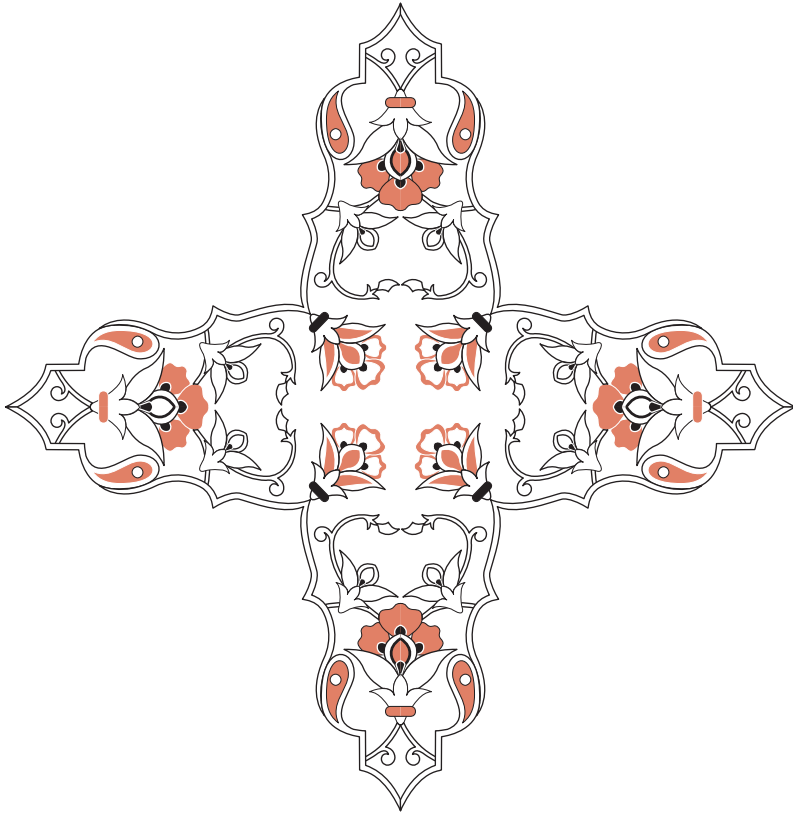
دستامونو می‌بریم بالا باهم دیگه می‌کنیم دعا
خدا ماها رو دوست داره دعاها مونو قبول داره

❁ خدایا به همه دختران جامعه ما سلامتی بده.

❁ خدایا به دختران ما کمک کن که همیشه باحجاب باشند.

❁ خدایا به همه ما کمک کن که همیشه یارویاور پدر و مادرمان باشیم.

بهبستی‌های نازنین خدا نگهدار شما
بچه‌های روی زمین دست‌علی یار شما



از تنهایی بدم می آید!

(تبیین بدی تنهایی و رنج آن)

شروع ابتدای کلاس:

به نام او که یار کودکان است به نام او که خیلی مهربان است
به نام خدای خوب و قوی همان که خالق ما کودکان است

جوانان آینده امام حسینی سلام. ان شاء الله دعای امام حسین (علیه السلام) و بچه های حضرت همیشه پشت سرتون باشه.

ان شاء الله که بچه های حضرت زینب (سلام الله علیها) ما را در اون دنیا شفاعت کنند صلوات بفرستید.

- خلاصه درس قبل رو اگه بخوایم توی ۳ تا جمله بگیم، می شه:
۱. دین ما برای دختر ارزش و احترام ویژه ای قائل است.
 ۲. دختر، مایه رحمت و برکت در خانه است.
 ۳. دختر باید با همیشه باحجاب و باوقار و سنگین و عفیف باشد.

شروع با داستان:

روزی روزگاری در شهری دور، یه پیرمردی با سه فرزند خود زندگی می کرد. روزی پیرمرد احساس کرد هنگام مرگش فرارسیده است. او پسرانش رو جمع کرد و یه بسته چوب که با طناب بسته شده بود رو به فرزندانش داد و از اونا خواست هر کدامش که می تواند این بسته را بشکنند. پسرها خیلی تلاش کردند اما تلاششان بی فایده بود و نتوانستند بسته چوب را بشکنند. پدر، بسته چوب رو از آن ها گرفت و طناب دور چوب رو باز کرد و چوب ها تک تک و تن ها از هم شدند و به هرکدام از فرزندانش، چوبی از آن بسته رو داد و بهشون گفت الان بشکنید! بچه های پیرمرد، توانستند بدون هیچ زحمتی، تمام چوب ها را بشکنند. آن وقت پدر رو به فرزندانش کرد و گفت: پسرانم، به نظرتون منظورم از این کار چه بود؟^۱

هرکدام پاسخی دادند. یکی گفت: برای آزمایش قدرت ما. دیگری گفت: برای آزمایش شکننده بودن چوب ها و هرکدام جوابی دادند. وقتی پاسخ های فرزندانشان تموم شد، پدر رو به بچه هاش کرد و گفت: پسرانم من این کار رو کردم تا بدانید که تنهایی

۱- مربی می تواند از متربیان مشارکت بگیرد تا هم سطح اطلاعات آن ها را بسنجد و هم اگر کسی پاسخی مشابه داشت، آن پاسخ به دست آید.



چقدر آسیب داره و ضرر می رسونه! وقتی شماها با هم باشید، قدرتمندترین نیروها هم نمی تواند شما را بشکند و شکست بدهد! دقیقاً مثل این تکه چوب ها که وقتی به دور طناب بودند و بسته بودند، هیچ کدام از شماها نتوانستید حتی با تمام قدرتان، آن ها را بشکنید. اما وقتی طناب را از دورشان باز کردم و هر کدام از تکه چوب ها، تن ها شدند، شکننده هم شدند!

بچه ها ما از این داستان فهمیدیم که تنهایی چقدر می تونه به ما ضرر برسونه؛ بنابراین ما باید از تنهایی فرار کنیم.

قالب عددی:

بچه ها حیوانات، یه دنیا درس برای ما دارند. به زندگی پرندگان نگاه کنید. هر ساله به تنهایی برای خودشان لونه درست می کنند و به تنهایی از لونه خودشون محافظت می کنند. ولی اگر بادوباران بیاد، این لونه ها زود خراب می شه و یا اگر دشمنی مثل مار و پرندگان بزرگ تری به آن ها حمله کنند، به تنهایی نمیتوانند از لونه و جوجه هاشون محافظت کنند. به این خاطر یا باید مبارزه کنند و شاید کشته بشوند، و یا اینکه فرار کنند و بروند یک جای دیگه ای، دوباره لونه درست کنند! اما بیایید به زنبورها یا مورچه ها نگاه کنیم. با کمک همدیگه، یه کندو یا لونه درست می کنند. با تلاش فراوان طوری آن را میسازند که چندین سال دوام داشته باشه و به راحتی خراب نشه. بعد با هم از آن محافظت می کنند. وقتی دشمنان هم به آن حمله می کنند، دست به دست هم میدن و با همدیگه از آن دفاع می کنند و اکثر اوقات هم پیروز می شوند.

پس تنهایی برای ما سم است و نباید هیچ وقت تن ها باشیم. همیشه باید با هم دیگه باشیم و از تنهایی فرار کنیم.

البته بچه ها باید به این هم توجه داشته باشیم که ما دو نوع تنهایی داریم: **۱. تنهایی خوب** ۲. **تنهایی بد**. یعنی بعضی از تنهایی ها هستند که خیلی خوب اند، اما بعضی از اونا هم هستند که فوق العاده بد هستند.

۱. **اما اولین تنهایی**، تنهایی خوبه؛ به اون تنهایی گفته می شه که باعث پیشرفت انسان می شه. باعث می شه انسان، رشد کنه. این مدل تنهایی، ما رو به موفقیت



می‌رسونه. تنهایی خوب، پایان خوبی هم به همراه داره.

بیا یاد مثال بزنیم. یکی از بهترین تنهایی‌ها که ما باید داشته باشیم، فکر کردنه. توی خلوت خودمون بشینیم و به خیلی از کارهامون فکر کنیم. ما می‌تونیم در اون تنهایی، به کارهای خوبی که دیگران برای ما کرده‌اند، فکر کنیم. یا می‌تونیم به این فکر کنیم که چه کارهای خوبی رو می‌شه در تنهایی انجام داد؛ مثل نمازخوندن یا کتاب خوندن. یا بشینیم و فکر کنیم که کجاها می‌تونیم بریم، تا باعث خوشحالی امام حسین (علیه‌السلام) باشیم؛ مثلاً به هیئت بریم. توی برنامه‌های مسجد شرکت کنیم. برنامه بریزیم واسه علم‌آموزی و رشد علم‌مون.

حتی با خوب فکرکردن می‌شه، راه درست زندگی رو پیدا کرد. مثل خُز بن یزید ریاحی که یکی از یاران امام حسین (علیه‌السلام) بود و امشب که شب چهارم محرم هست، به نام او نام‌گذاری شده. کیا می‌دونن که خُز توی کربلا چیکار کرد؟^۱

اون به خاطر کار اشتباهش، شب نشست و فکر کرد که: «این چه کاری بود که من کردم! من نباید این کار رو می‌کردم! چقدر کار بدی کردم! باید فکر کنم توی این جنگ، حق کیه؟ باطل کیه؟»

ببینید بچه‌ها چه کار خوب و قشنگی کرد! می‌دونید نتیجه و پایان این کار خوب او چی شد؟ نتیجه‌اش این شد

که دست ۲ نفر از دوستانش رو گرفت و ۳ تایی به سمت خیمه امام حسین (علیه‌السلام) حرکت کردند. امام حسین (علیه‌السلام) وقتی پشیمانی خُرو دوستانش رو دید، سریع آن‌ها را پذیرفت و عذرخواهی شون رو قبول کرد و نتیجه این فکرکردن او به نیکی تموم شد یعنی به شهادت رسید.

۲. **اما دومین تنهایی**، تنهایی بد است؛ تنهایی بد، اون تنهایی‌ای هست که انسان، فکر بد بکنه، یا نقشه بکشه برای کار بد، یا کار بدی رو در تنهایی انجام بدهد، و یا حتی تن‌ها شدن و جدانشدن از دوستان مثل قهر کردن، نوعی تنهایی بد است. نتیجه این تنهایی، پایان بد و فکر بد و راه بد خواهد بود.

گاهی دوست ما، به اشتباه یه کاری می‌کنه که شاید حواسش نبوده و یا حرف بدی به

۱- توقع می‌رود که مربیان گرامی، از نظرات متریبان جهت مشارکت استفاده نمایند.



ما زده، توی اینجا ما نباید زود از او ناراحت بشیم و اگه شدیم نباید زیاد طول بکشه. باید زود بریم و با او آشتی کنیم و به دوستمون بگیم با اینکه کار تو اشتباه بوده ولی من با تو دوستم. با این کار هم اجازه نمی‌دیم اون تن‌ها باشه و هم خودتون دوباره در کنار همدیگه هستید و باعث می‌شه خدا و امامان از دست ما خوشحال باشند. می‌دونید چرا؟ چون هر کی زودتر آشتی کنه، زودتر از اون‌ی که باهش قهر کرده به بهشت می‌ره.

از کجا اینو میگم؟ از پیامبر مهربون ما (صلی الله علیه و آله) که می‌فرمایند: اگه دو تا مسلمان با هم قهر کنند و سه روز طول بکشه و آشتی نکنند، هر دو نفر از دین اسلام خارج می‌شن! و بین اون‌ها، هر کدام زودتر از دیگری آشتی کنه، روز قیامت، جلوتر به بهشت میره! بدتر از همه اینه که ما بدون هیچ دوست و رفیق و یار و یآوری می‌مونیم، و توی خیلی از سختی‌هایی که در زندگیمون برامون پیش میاد، تن‌ها خواهیم موند.

بچه‌ها تنهایی ما رو از جمع دور می‌کنه و غمگین و ناراحت و افسرده می‌کنه.

اگه داخل همین کلاس خودمون که می‌گیم و می‌خندیم و لذت می‌بریم، یه نفر باشه که برای خودش باشه و در کلاس تن‌ها بشینه و از جمع دور باشه، این خوبه؟! این که به خاطر تنهایی از هیچ چیزی لذت نبره، این خوبه?!

یا اگه در زنگ ورزش، همه در حال ورزش کردن و شادی باشند و یه نفر غمگین و تن‌ها یه گوشه باشه، این خوبه؟! مطمئناً خیر! چراکه نشاط و شادی و آرامش واقعی، در کنار هم بودن و در جمع بودن است، نه در تنهایی.



جمع بندی:

پس فهمیدیم که تنهایی، انسان رو غمگین و بی کس می‌کنه و در دام شیطان می‌اندازه! مثل تکه‌های چوبِ توی داستان، که تا تن‌ها شدند، زود شکستند! ما باید بتونیم خودمون رو از تن‌ها بودن دور کنیم، تا همیشه قوی و شاد و سلامت و بانشاط باشیم.

بعضی از کارهایی که باعث می‌شه ما از تنهایی نجات پیدا کنیم رو بهتون معرفی می‌کنم: رفیق شدن با دیگران، کمک کردن به دوستان در درس و مشق، انجام ورزش‌های جمعی، رفتن به هیئت و کمک دادن در جمع کردن استکان‌ها و یا نذری دادن به مردم.

تکلیف:

اما برای اینکه همه مون به آرامش واقعی برسیم، بیاییم همین امشب یه قول به هم بدیم: اگه خدایی ناکرده، با کسی قهر هستیم یا کسی با ما قهر هست، همین امشب بریم و با هم دیگه آشتی کنیم و یا اگه کسی از دوستانمون رو می‌شناسیم که با دیگری قهر کرده، بریم پیششون و اونا رو آشتی بدیم. تا هم باعث خوشحالی امان‌مون بشیم و هم باعث ناراحتی شیطان بشیم و هم به آرامش حقیقی برسیم.

هرکسی که اهل قهر کردن نیست، بلند صلوات بفرسته!

دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستانمونو می‌بریم بالا با هم دیگه می‌کنیم دعا

خدا ماها رو دوست داره دعاهامونو قبول داره

❖ خدایا ما را از تنهایی دور کن.

❖ خدایا به ما کمک کن که گول شیطان رو نخوریم و با هیچ کسی قهر نکنیم.

❖ خدایا به ما کمک کن بتونیم در درس‌ها و سختی‌ها به دوستانمون کمک کنیم.

❖ الهی که هیچ وقت گرفتار تنهایی نشیم، بر محمد و آل محمد صلوات.

❖ اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



با هم قوی‌تریم!

(تبیین ضرورت همدلی در سختی‌های اجتماعی)

شروع ابتدای کلاس:

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام قلب بندگانش را.
پس همه با هم: بسم الله الرحمن الرحيم
به وقت شام و صبحگاهی، به هرجا می‌کنم شکر الهی.
الحمدلله و الحمدلله و هزاران بار الحمدلله که خدا به توفیق داده و اجازه داده که در
مجالس امام حسین (علیه السلام) شرکت کنیم.
در جلسه قبل گفتیم که تنهایی و تن‌ها بودن، آرامش رو از انسان می‌گیره و اگه
می‌خواهیم به آرامش واقعی برسیم، باید در جمع باشیم و بهترین کار، در جمع بودن و در
کنار دیگران بودن است.

شروع با حکایت:

یه روز یه فقیری در کوچه نشسته بود و داشت گریه می‌کرد. مردم هم بیخیال از
کنار او عبور می‌کردند و بهش توجه نمی‌کردند. تا اینکه یه مرد ثروتمند و پول‌داری که
زبانی نرم و زیبا هم داشت، با دو تا نان سنگکِ داغ، از کوچه می‌گذشت. مرد پول‌دار
که چشمش به فقیر افتاد و دید داره گریه می‌کنه، دلش به حال او سوخت و رفت
کنار آن فقیر نشست و شروع کرد زار زار با او گریه کردن. یه کم که گریه کرد به مرد
فقیر گفت: ای مرد چرا گریه می‌کنی؟ مرد فقیر گفت: فقیرم، گرسنه‌ام، پول ندارم غذا
برای خانواده‌ام تهیه کنم. مرد ثروتمند تا این حرف‌ها را شنید گریه‌اش شدیدتر شد.
های‌های گریه می‌کرد و بلند بلند ناله می‌زد! مردی که در آنجا بودند و این جریان را
دیدند به مرد ثروتمند گفتند: ای مرد! دواي درد این فقیر، تکه‌های از آن نانی است
که در دست توست! اگر تکه‌های از آن نان رو بهش بدهی، سیر می‌شه و دیگه گریه
نمی‌کند. مرد ثروتمند گفت: نه دیگه نشد! اگر تا شب هم بخواید، کنار او مینشینم و
به حالش گریه می‌کنم ولی از نان دستم چیزی به او نمیدهم!

بچه‌ها حالا بعضی وقت‌ها کارهای ما هم همین‌طور است! نسبت به هم نوع خود
مسئولیت نداریم. حاضریم با زبان، دیگران را دل‌داری بدیم ولی این هم‌زبانی ما دردی
از آن‌ها را درمان نمی‌کند. هم‌زبانی، به تنهایی، به هیچ دردی نمی‌خورد، بلکه با آن‌ها
هم‌دلی و همدردی هم باید داشته باشیم. فقط در کنار او بودن مهم نیست، بلکه



کمک کردن به او و رفع مشکلات نیز بخشی از همدلی هست. یعنی هم هم‌زبان باشیم، هم همدل و هم هم‌درد.

قالب نمادین - انواعی:

اما همدلی چیه؟ واقعاً به چه معناست؟ همدلی، هر کدوم از حرف‌هاش، واسه ما یه دنیا حرف داره!

ه: همراهی؛ یعنی اگر هم‌نوعان ما دچار مشکل و گرفتاری شدند آن‌ها را همراهی کنیم و کنارشون باشیم. وقتی کنارشون هستیم، دیگه احساس تنهایی نمی‌کنند. وقتی ما همراهی شون می‌کنیم، هیچ‌وقت افسردگی به اونا دست نمی‌ده. حتماً کارقشنگ اون معلم رو از تلویزیون دیدید که وقتی متوجه شد دانش‌آموزش سرطان داره و مجبور شده، موهاش رو از ته بتراشه، این معلم مهربون و همدل و همراه، از ته موهاش رو تراشید تا اون کودک، احساس بدی نداشته باشه.^۱

م: مراقبت و محافظت و مداومت؛ اگر مشکلی برای مردم جامعه ما پیش اومد، باید از اونا مراقبت و محافظت کنیم. در این کار، مداومت هم باید داشته باشیم. یعنی چی؟ یعنی تا زمانی که به پیروزی نرسیده‌ایم و مشکل حل نشده است، باید به حمایت خودمون ادامه بدیم. نه اینکه بگیم: من که یک بار کمک کردم، دیگه بسه! و کار را نیمه‌تمام بگذاریم! نه! بچه‌ها کرونا هم با محافظت و مداومت جمعی است که برطرف می‌شه.

د: درمان درد و مشکل؛ یعنی اگر میتوانیم مشکلی که برای دیگران پیش آمده را حل کنیم فقط براشون گریه نکنیم، بلکه اگر گرسنه‌اند، سیرشان کنیم. اگر درسشون خوب نیست، کمکشون کنیم. اگر ماسک و دارو نیاز دارند، براشون تهیه کنیم. اگر بیمار هستند، بیماری شون را درمان کنیم.

ل: لطف و لیاقت؛ یعنی این کمک و همدلی را ما باید یک نوع لطف به خودمان بدانیم که خدا به ما لطف کرده و این لیاقت را داده که به دیگران کمک کنیم. پس نباید با کمکمان به آن‌ها منت بگذاریم. تازه باید از خدا هم تشکر کنیم و ممنون باشیم که به ما اجازه می‌ده بتونیم به دیگران کمک کنیم. پس همه با هم الان دستامون رو بیاریم بالا و

۱- قابل ذکر است که به علت محدودیت‌های موجود، به بخشی از محتواها و توضیحات اشاره شده است و جا دارد که مربیان عزیز به پرورش و تکمیل آن‌ها بپردازند.



از خدا تشکر کنیم. همه دست‌ها بالا؛ همگی بگیم: الحمد لله رب العالمین.
ی: یاری کردن؛ یاء همدلی یعنی یاری رساندن به کسانی که مشکل دارند. اگر مردم کشورمان در خوزستان و سیستان‌الآن آب ندارند، همدلی این است که به یاری آن‌ها بریم و براشون آب بفرستیم.
حالا که معنای تک‌تک حروف همدلی رو فهمیدیم، می‌خوام انواع همدلی رو هم سریع بهتون بگم. همدلی انواع مختلفی دارد.

انواع همدلی:

۱. همدلی زبانی:

همدلی زبانی این است که اگر مشکلی برای دوستان و هم‌نوعانمان ایجاد شد، ما فقط داد بزنیم و بگیم: ای‌وای! این مشکل پیش آمده! به دادشان برسید! کمکشان کنید! ولی خودمان هیچ کاری نکنیم! مثل‌الآن که خوزستان آب نداره و بعضی سلبریتی‌ها فقط بلدند بگن «وای مردم خوزستان! چرا کمک نمی‌کنید!» بعد خودشون با میلیاردها پول، حاضر نیستند کوچک‌ترین کمکی بکنند. (مثل آن مرد خسیس که فقط گریه کرد)

۲. همدلی قلبی:

همدلی قلبی این است که شخص، از مشکلی که برای دیگران پیش آمده، واقعاً ناراحت است ولی یا کاری از دستش بر نمی‌آید که انجام بدهد یا توان انجام کمک را ندارد. ولی حداقل از ته دل، ناراحت است و برای حل مشکلات دیگران، دعا می‌کند.

۳. همدلی عملی:

همدلی عملی این است که وقتی مشکلی پیش می‌آید، شخص بدون اینکه توی بوق و کرنا کنه، سریع میره کمک می‌کنه و نه حرفی می‌زنه و نه گریه‌الکی می‌کنه. کمک خودش را بدون هیچ سروصدایی انجام می‌ده و کاری به دیگران هم نداره که کسی انجام میده یا نمیده! این نوع همدلی، نسبت به قبلی‌ها خوبه ولی باز هم کافی نیست.

۴. همدلی زبانی و قلبی و عملی:

یک همدلی دیگری هم هست که عالی‌عالیه. طرف وقتی مشکلی برای دیگران پیش میاد، قلبش درد می‌گیره و ناراحت می‌شه و اولین کاری که می‌کنه با قلب شکسته از خدا کمک می‌خواد. بعد با زبان و کلامش دیگران را تشویق به کمک می‌کنه. بعد خودش وارد



عمل می‌شه و شروع می‌کنه به کمک کردن و تا مشکل را حل نکنه از پا نمی‌نشینه. و ما در این جریان‌ات اخیر دیدیم که مردم همین جوری پای کار آمدند و شروع کردند به کمک کردن به هم‌نوعان خود. چه در جریان کرونا که یک عده ماسک دوختند و یک عده از بیماران کرونایی پرستاری کردند و یک عده ضدعفونی کردند و یک عده رفتن، مردگان را کفن و دفن کردند.

و یا در جریان کم‌آبی خوزستان که یک عده رفتند با تانکر، به مردم آب رساندند. یک عده رفتن لوله‌کشی کردند. یک عده آب معدنی تهیه کردند و هرکسی هر کاری از دستش بر می‌آمد انجام داد.

جمع‌بندی:

خب توی این جلسه فهمیدیم که: ما باید توی سختی‌ها با هم دیگه همدل باشیم و همدلی فقط با زبان نیست، بلکه همراه با عمل است. یعنی، هم‌زبانی است و هم‌قلبی و هم‌عملی.

دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می‌بریم بالا باهم دیگه می‌کنیم دعا

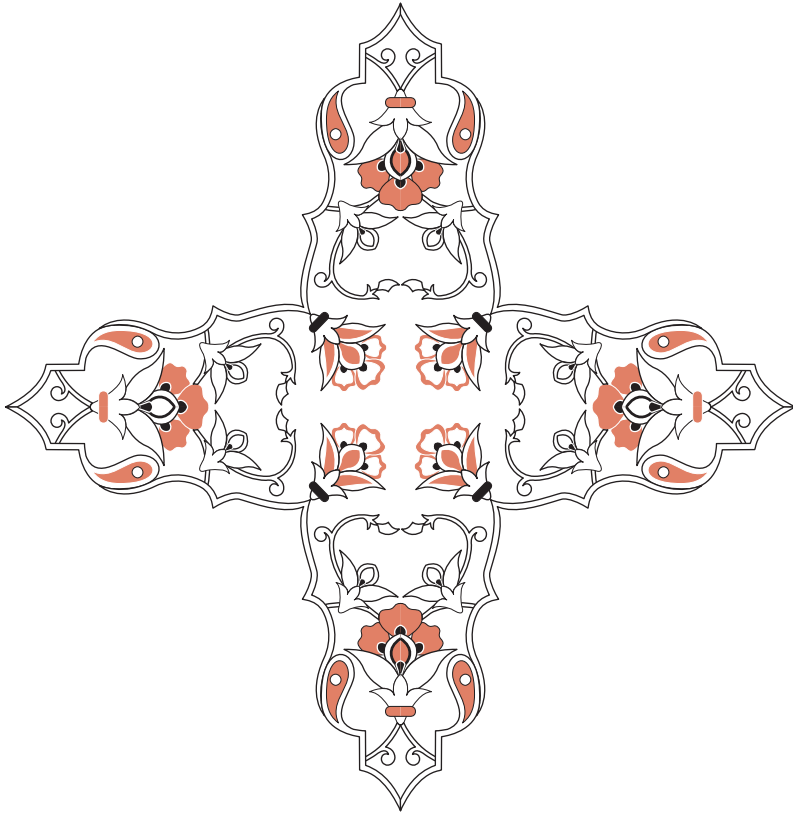
خدا ماها رو دوست داره دعاها مونو قبول داره

❖ خدایا به ما کمک کن که همیشه با هم دیگه همدل باشیم.

❖ خدایا به ما کمک کن همه‌جوره با هم دیگه همدل باشیم.

❖ الهی که همیشه همه‌جوره همدل باشیم صلوات بفرستید.

❖ اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



ما همه با هم هستیم!

(برتری فواید جمع خواهی بر فرد خواهی)

شروع ابتدای کلاس:

به نام خدای مهربووووون .

وقتی که از خواب پا شدی بپا سلام یادت نره وقتی که تو خیابونی بپا سلام یادت نره
یا که به دوستت رسیدی بپا سلام یادت نره آشنا و فامیل را دیدی بپا سلام یادت نره

گل های امام حسینی سلام . توی جلسه قبل گفتیم: ما باید توی سختی ها با هم دیگه
همدل باشیم و همدلی فقط با زبان نیست، بلکه همراه با عمل است. یعنی، همدلی، هم
زبانی است و هم قلبی است و هم عملی است.

ان شاء الله همه با هم همدل باشیم، همگی با هم بلند صلوات می فرستیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

شروع با داستان:

یه داستانی هست که فوق العاده جالبه! داستان سه گاو سفید و سیاه و زرد. این
سه گاو در جنگل در کنار هم با خوبی و خوشی زندگی می کردند و هر روز با هم دیگه به
چراگاه می رفتند. در همان جنگل، یه شیر خطرناک هم زندگی می کرد و دوست داشت
که این گاوهای خوشمزه را شکار کنه و دلی از عزا در بیاره! ولی متأسفانه زورش به سه
تا گاو نمی رسید! چرا؟ چون این سه تا گاو وقتی با هم بودند، با شاخ و لگد به حساب
شیر می رسیدند و شیر را فراری می دادند. شیر هم هر کاری می کرد، نمی توانست این
سه گاو را شکار کنه. تا اینکه یه روز روباه مکار و حيله گری که شکست شیر را از گاوها
دید، رفت پیش شیر و گفت می خواهی من کمکت کنم تا گاوها را شکار کنی؟ شیر
خوشحال شد و گفت: مگه می تونی؟! روباه گفت: اگر قول بدهی که منم شریک باشم
و از گوشت گاوها سهمی داشته باشم، راه حل شکار گاوها را بهت می گم. شیر قبول کرد
و روباه هم نقشه اش را به شیر گفت و رفت که نقشه اش را اجرا کنه. اما نقشه روباه
چی بود؟^۱

خوب گوش کنید تا ببینید روباه با چه نقشه ای می خواهد گاوها را شکار کنه!

۱- در اینجا مری می تواند از مشارکت هم استفاده نماید و پاسخ متریبان را بشنود.



روباه که مطمئناً زورش از شیر کمتره، پس با زور نمی‌تونه گاوها را شکار کنه. پس باید یه حيله و نقشه حسابی داشته باشه. خلاصه روباه از در دوستی با گاوها وارد شد و به آنها چراگاه‌های سرسبز و تازه‌ای را نشان می‌داد و گاوها هم لذت می‌بردند که هر روز روباه، بهشون چراگاه‌های خوب و تازه نشان می‌ده. روباه حيله‌گر چند روزی با گاوها رفت‌وآمد کرد و چراگاه‌های تازه‌ای بهشون نشون داد، تا بالاخره تونست اعتماد گاوها رو جمع کنه. ديگه هر چی روباه می‌گفت، گاوها باور می‌کردند و کم‌کم روباه آماده اجرای نقشه‌اش می‌شد. گذشت و گذشت، تا اینکه یه روزی روباه، رفت سراغ گاو سفید و زرد. به او ناگفت: ای گاو سفید و زرد نگاه کنید این گاو سیاه چقدر تندتند علف‌ها را می‌خوره و برای شما چیزی نمی‌گذاره! اگه این گاو سیاه نباشه، سهم شما از این علف‌ها خیلی بیشتر می‌شه. گاو سفید و زرد نادان هم گفتند: آره راست می‌گه! چقدر تندتند می‌خوره! این که برای ما چیزی نمی‌ذاره! روباه گفت: می‌خواهید کاری کنید که همه این علف‌های خوشمزه برای شما دو تا باشه؟ گاو سفید و زرد هم خوشحال گفتند: آره! آره! ما دوست داریم! روباه مهربون تو به ما بگو چه کار کنیم! (ای‌وای! گفتند روباه مهربون!) روباه که در پوست خودش نمی‌گنجید و داشت نقشه‌اش، عملی می‌شد، گفت: فردا که به جنگل آمديد و در چراگاه مشغول خوردن علف شدید، آروم آروم از گاو سیاه فاصله بگیرید و وقتی شما از گاو سیاه فاصله گرفتید، من به شیر می‌گم بیاد و گاو سیاه رو شکار کنه. گاو سفید و زرد هم گول نقشه روباه رو خوردند و فردا صبح که به چراگاه رفتند آروم آروم از گاو سیاه فاصله گرفتند و شیر به گاو سیاه حمله کرد. هر چه گاو سیاه از گاو زرد و سفید کمک خواست، آنها فقط نگاه کردند تا شیر گاو سیاه رو شکار کرد و شیر و روباه تا چند وقتی حسابی از گوشت گاو سیاه می‌خوردند و لذت می‌بردند! بعد مدتی که گوشت گاو سیاه تمام شد دوباره روباه سر و کله‌اش پیدا شد و این بار آمد سراغ گاو سفید و گفت: ای گاو سفید نگاه کن گاو زرد چقدر آب می‌خوره! فردا اگه گرما زیادتر شد و آب چشمه کم شد، ديگه آب به تو نمی‌رسه! چون همه آب رو گاو زرد می‌خوره! گاو سفید نادان هم گفت: آره راست می‌گی! چقدر آب می‌خوره! روباه گفت: می‌خواهی این چشمه و این چراگاه، فقط مال خودت باشه؟ گاو سفید هم طمع کرد و گفت: چه خوب می‌شه اگه همه این چراگاه و

چشمه برای خودم باشه! روباه گفت: پس، فردا که آمدی چراگاه، به بهانه آب خوردن از گاو زرد فاصله بگیر و او را تن‌ها بذار و بقیه کار با من! فردا که به چراگاه رفتند گاو سفید به بهانه آب خوردن، گاو زرد رو تن‌ها گذاشت و در این هنگام شیر به گاو زرد حمله کرد و او رو شکار کرد و گاو سفید فقط نگاه کرد و در دلش خوشحال بود که چشمه و چراگاه مال او شده است. اما همین که شیر و روباه گاو زرد را خوردند و تمام شد، آمدند سراغ گاو سفید و او خیال کرد آمدند بهش سر بززند و یا تبریک بگن که صاحب چشمه و چراگاه شده! اما روباه گفت: ای گاو سفید آمدیم تو رو شکار کنیم و همه مدت این نقشه ما بود که شما را یکی یکی و تنهایی گیر بیاریم و شکار کنیم! چون تا با هم بودید و اتحاد داشتید، هیچ‌کسی حتی شیر هم زورش به شما نمی‌رسید. ولی همین که تن‌ها شدید و همدیگه رو تن‌ها گذاشتید، شیر زورش به یک یک شما رسید و شما رو شکار کرد. حالا که تو هم تن‌ها شدی، دیگه زورت به شیر نمی‌رسه و الآن نوبت توست تا مثل دیگر دوستان، غذای لذیذ من و شیر باشی! گاو سفید هم که فهمید چه کلاهی سرش رفته و گول نقشه روباه را خورده، از کار خودش پشیمان شد و شروع به دادویداد و گریه کرد! ولی دیگه گریه و زاری فایده‌ای نداشت و روباه و شیر با یه حرکت او رو شکار کردند و حسابی دلی از عزا درآوردند!



دوستان عزیز دیدید که چه سرنوشت بدی سر گاوها آمد؟ چرا به نظرتون؟ آفرین! چون اتحاد و دوستی شون رو از دست دادند و گول نقشه دشمن رو خوردند. دشمن هم می‌دونست این‌ها تا با هم هستند و با هم همکاری می‌کنند، کسی نمی‌تونه آن‌ها رو شکست بده. به این خاطر با یه نقشه، آن‌ها رو از هم جدا کردند و وقتی تن‌ها شدند و دیگه قدرتی نداشتند، به راحتی دشمن توانست آن‌ها رو شکست بده!

یه سؤال: کی می‌دونه نقشه اصلی روباه مکار چی بود؟ چی شد که گاوها گولش رو خوردند؟ آفرین به شما تیزهوشان! روباه حيله‌گر و مکار، میومد پیش هر کدوم و بهشون پیشنهاد سود شخصی می‌داد.

بهشون می‌گفت: "تو اگه فقط به فکر خودت باشی، سود بیشتری می‌بری! چه کار به کار بقیه داری! بذار اون نباشه تا تو بیشتر سود ببری! تو فقط باید به فکر سود خودت باشی!" اما آخرش چی شد؟! به ضرر همه تموم شد!

قالب مقایسه‌ای:

بچه‌های نازنینم! ما هم تا وقتی که با هم باشیم و اتحاد داشته باشیم و به فکر هم دیگه باشیم، دشمنان از ما می‌ترسند و زورشون به ما نمی‌رسه! ولی اگر با هم اختلاف داشته باشیم و فقط به فکر سود و منفعت خودمان باشیم، دشمن، ما را یکی یکی شکست می‌ده.

یعنی بچه‌ها ما همه در قبال هم مسئولیت داریم. در قبال پدر و مادرمون، برادرو خواهرمون، دوست مون، همسایه مون و خلاصه همه افراد کشورمون. ما باید به فکر سود و منفعت همه باشیم.

اگه هرکسی فقط به فکر سود خودش باشه، باعث می‌شه از هم دور بشیم و مثل داستان به دست دشمنان بیافتیم.

بچه‌ها ما باید هم درد هم باشیم و درد دیگران، درد ما باشه. اگه به فکر جمع باشیم، زندگی با همه سختی‌هایش شیرین می‌شه.

نمونه‌اش توی کشورمون می‌دونید کجاست؟ چند وقت پیش، معلم و دانش‌آموزان یه کلاس، همگی موهاشون رو از ته تراشیدند و همه کچل کردند. یکی از بچه‌ها به خاطر داشتن سرطان، بعد از شیمی‌درمانی، کچل شده بود. قبل از اینکه وارد کلاس بشه، به خاطر موهاش خجالت می‌کشید که به کلاس بیاید اما وقتی فهمید که همه کلاس، برای هم دردی کردن با او مثل او کچل هستن، خوشحال و خندون رفت و سر جایش نشست.

دیدید بچه‌ها! وقتی جمعی با هم باشند، خیلی از سختی‌ها قابل تحمل می‌شه. یه شعری رو از زمان بچگی یادمه که خیلی قشنگ بود و همیشه می‌خوندیم. هر کی بلد هست با من تکرار کنه:^۱

دست به دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد

یار و غم‌خوار همدگر باشیم تا بمانیم خرم و آزاد

پس در کار جمعی فایده‌هایی وجود داره که توی کار فردی نیست. تازه کار فردی اگر فایده‌ای هم داشته، خیلی خیلی کمتر از کار جمعی است.

۱- جهت تنوع در کلاس، مربی می‌تواند شعر را روی تابلو نوشته و از متریبان بخواهد به صورت جمعی، همه با هم بخوانند.



بیابید به چند تا دیگه از فوآئدش نگاه بیندازیم: ^۱

کار جمعی	اثرگذاری بیشتر ^۲	سرعت در انجام کار ^۳	استفاده از توان کمتر ^۴	گرفتن تصمیمات دقیق‌تر ^۵
کار فردی	اثر کمتر	کندی در عمل	توان اضافی	تصمیمات سطحی

جمع‌بندی:

بچه‌های عزیز یادمون باشه که همیشه کار جمعی از کار فردی بهتره و خوبی‌هایی که در جمع خواهی هست، در فرد خواهی وجود نداره.



- ۱- در قالب مقایسه‌ای، ابتدا مربی باید جدول را روی تابلو کشیده، بعد کار فردی و جمعی را بنویسد. سپس به صورت مجزا و تک‌به‌تک، موارد مقایسه را نوشته و توضیحات آن را ارائه نماید.
- ۲- کاملاً مشخص است که اثر کار جمعی بسیار، بسیار، بیشتر است از اثر کار فردی.
- ۳- انجام یک کار به صورت گروهی، هم سرعت عمل شما را بیشتر کرده و هم صرفه‌جویی در وقت را به شما هدیه خواهد داد.
- ۴- مربی: بچه‌ها این ضرب‌المثل را کامل کنید؛ سنگ بزرگ نشانه ... ؟
متریبیان: نشانه نزدن است.
مربی: آفرین به همه که اشتباه گفتید! سنگ بزرگ، نشانه نزدن نیست! سنگ بزرگ، نشانه کمک‌گرفتن از دیگران در کارهاست!
- اگر ما بخواهیم یک میز سنگین را بلند کنیم، ممکن است یا توان آن را نداشته باشیم و یا فشار زیادی به ما وارد شود؛ اما وقتی به صورت جمعی و چند نفری انجام دهیم، هم راحت‌تر انجام خواهد شد و هم فشار کمتری به تک‌تک افراد وارد می‌شود.
- ۵- بچه‌های عزیز وقتی ما به کاری رو بخواهیم شروع کنیم، باید فکر کنیم. همه می‌دونیم که چند تا فکر خیلی بهتر از یه فکر است. اگه چند نفر با هم دیگه فکر کنند، راه‌های بهتر و ساده‌تری پیدا می‌شه.
حتی خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران هم به آن اشاره کرده که: *وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ* و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن.
یعنی چند تا فکر خیلی بهتر از یه فکر است. مثلاً در ساختن یه بادبادک باید فکر کنیم که شکلش چطوری باشه، اندازه‌ش چقدر باشه، چند متر طناب می‌خواهیم و ... حالا اگه یک نفر باشیم، شاید خسته و کلافه بشیم و اون کار رو رها کنیم. اما اگه چند نفر باشیم، کار رو تقسیم می‌کنیم و راحت‌تر و بهتر انجام می‌دیم.
- ۶- مربیان عزیز می‌توانند قبل از جمع‌بندی، یکی از بازی‌های زیر را با توجه به شرایط مکانی و زمانی و در صورت صلاحدید انجام دهند:
 ۱. برگزاری مسابقه طناب‌کشی
 ۲. طراحی یک سؤال فکری و حل آن به کمک یکدیگر
 ۳. کشیدن یک وسیله سنگین سر کلاس مثل میز، توسط یک نفر و سپس توسط چند نفر
 قابل‌ذکر است که مربیان عزیز باید گره‌های مناسب با موضوع را حین انجام بازی‌ها ارائه نمایند.

دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می‌بریم بالا

خدا ماها رو دوست داره

با هم دیگه می‌کنیم دعا

دعاها مونو قبول داره

❁ خدایا به ما کمک کن که همیشه کارهامون رو به صورت جمعی انجام بدیم.

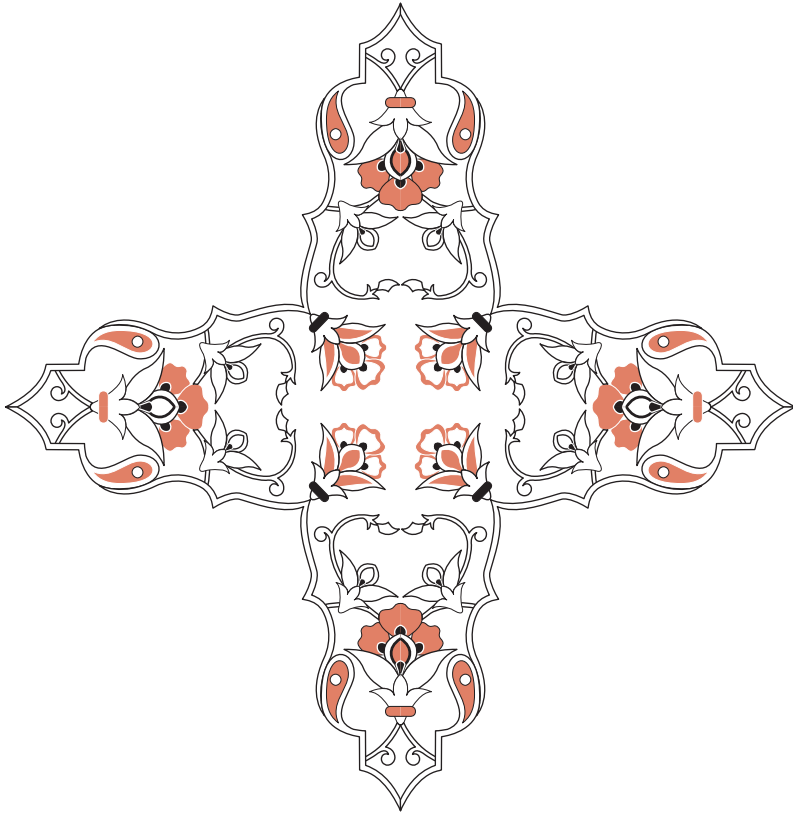
❁ خدایا به ما کمک کن با هم دیگه کشورمون رو آباد کنیم.

❁ خدایا به ما کمک کن با کمک هم دیگه، پرچم امام حسین (علیه السلام) رو بیشتر و

بیشتر بالا ببریم.

❁ هر کسی دلش می‌خواد اربعین به صورت جمعی کربلا باشه، بلند صلوات بفرسته.

❁ اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



به کسی نگو، ولی...!

(اجتماع، رمز همدلی و همبستگی)

شروع ابتدای کلاس:

به نام خدای خوبی‌ها.

به هرکجا که میریم، در اول هر کلام
قدیمی‌ها می‌گفتند، چقدر قشنگ و زیبا
می‌روید روی لب ما، گل بوته‌های سلام
سلامتی میاره، سلام برای دل‌ها

بچه‌های امام حسینی سلام. ان شاء الله حال دل همتون امام حسینی باشه.
توی جلسه قبلی گفتیم که: همیشه کار جمعی از کار فردی بهتره و خوبی‌هایی که در
جمع خواهی هست، در فرد خواهی وجود نداره.

شروع با سؤال:

کلاس امروز رو می‌خوام با دو تا سؤال شروع کنم. بینم کی می‌تونه جواب بده.

بچه‌ها کی می‌دونه جمعیت الان ایران چقدر است؟

پاسخ: ۷۱۴,۰۶۲,۵۸

قدیمی‌ترین کشور دنیا کجاست؟

پاسخ: ایران با قدمت ۵۰۳۵ سال^۲

بچه‌ها دیدید چه کشور کهن و تاریخی داشته و داریم؟ با این حال متأسفانه آن تعداد
جمعیتی که باید داشته باشیم رو نداشتیم! یکی از مهم‌ترین دلایلیش، دشمنی دشمنان ما
بودند که نگذاشتن جمعیت ما زیاد بشه. یه زمانی همین دشمنان ما، در ایران حدود ۹
میلیون نفر رو با قحطی و خشکسالی و ندادن مواد غذایی کشتند. حتی بعضی از اونایی که
کشته شدند بچه‌هایی مثل شما بچه‌های گل و گلاب بودن!

کی می‌دونه چرا این کارها رو با ما می‌کردند؟^۳

یکی از مهم‌ترین دلایلیش اینه که اونا می‌خواستن کشور ما پیشرفت نکنه، عقب بمونه،
جمعیتش کم باشه، رشد نکنه، قوی نباشه تا با اونا نتونه بجنگه و همیشه عقب مونده بمونه.
اونا چون می‌خواستن تعداد بچه‌ها در ایران کم باشه، اعلام می‌کردن فرزند داشتن
باعث ضرر زدن و آسیب رساندن به کشور و خشک‌سالی می‌شه. این جور به دروغ گفتن

۱- خبرگزاری ایلنا در گفتگو با رئیس آمار.

۲- به نقل از مشرق نیوز.

۳- ضرورت مشارکت‌گیری.



خودشون ادامه دادند تا اینکه پدر و مادرای ما و پدربزرگ و مادربزرگ های ما، با رهبری حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) انقلاب کردند و امام خمینی (رحمه الله علیه) جلوی اونا ایستاد و به مردم گفت: هر چی اونا تا الان گفتن، همه اش دروغ بوده و همه رو به خاطر ضربه زدن و نابودکردن ایران به ما می گفتن. امام خمینی (رحمه الله علیه) گفت جمعیت کشور باید زیاد باشه تا جلوی دشمن شکست نخوریم. چند مدت پیش هم امام خامنه ای گفتند جمعیت ایران باید ۱۵۰ میلیون نفر بشه تا ما قوی بشیم. تا جمعیت ما بیشتر و بیشتر بشه و پیشرفت کنه.

قالب نکته ای - نمادین:

بچه ها می دونید اگه جمعیت ما زیاد نباشه چی بر سر ما و کشورمون میاد؟ چون بچه های پرشور و بانشاطی هستید، ۳ تا نکته می خوام بگم.

نکته اول:

اگه جمعیت ما زیاد نباشه، باعث می شه چند سال دیگه ما یه کشوری با کلی آدم پیر باشیم! یه عالمه پیرمرد و پیرزن. کشوری که جوان ها و کودک های اون کم باشه، دیگه نمی تونه پیشرفت کنه. یه کشوری غمگین می شه و کم کم باعث می شه مثل قبل دشمنان به ما زور بگن و هر بلایی که دوست داشتن سر ما بیارن. بچه ها به نظرتون این جور ی بشه خوبه؟

نکته دوم:

اگه جمعیت ما و تعداد خواهر و برادر زیاد نباشه، دیگه هم بازی توی خونه و کوچها وجود نخواهد داشت. توی خونه، بدون کمک یار خواهیم بود. تازه دیگه دوستی ن یست که با ما باشه که بتونیم باهاش بازی کنیم. به نظرتون این جور ی بشه خوبه؟

نکته سوم:

اگه جمعیت ما زیاد شد، هم باعث قوی شدن کشور ما می شه و هم باعث خوشحالی پیامبر مهربونمون می شه. بچه ها می دونید پیامبر ما می فرمایند: ”روز قیامت من به زیاد بودن شما در بین دیگر امت ها افتخار می کنم“!؟

یعنی اگه جمعیت ما بیشتر باشه، هم توی دنیا به نفع همه است و هم توی آخرت باعث شادی پیامبرمون می شه.

الآن چند جلسه است که درباره همدلی و هم‌بستگی و در کنار هم بودن صحبت می‌کنیم، اما نکته مهم اینجاست که همدلی و هم‌بستگی و در کنار هم بودن زمانی اتفاق می‌افتد که نیرو و افراد زیادی داشته باشیم. نیروی زیاد یعنی جمعیت زیاد. کسی می‌دونه جمعیت چه ویژگی‌هایی داره؟

ج: جامعه قوی؛

جامعه قوی یعنی جامعه‌ای که نیرو و فرد کافی داشته باشه. یادمون نره باید نیرو به اندازه کافی و فراوان باشه تا بشه به واسطه آن قدرت گرفت.

م: محیط آرام و راحت؛

محیط کشور، محیط خانواده و محیط مدرسه برای دانش‌آموزانی مثل شما باید محیطی آرام و راحت باشه. چطوری؟ این طوری که محیطی می‌تونه آرام و راحت باشه که نیروهاش هم زیاد باشند، هم جوان باشند و هم پرزور. وقتی جمعیت پرزور ما زیاد می‌شه، قدرت ما هم بیشتر می‌شه و به خاطر قدرت بالامون، آرامش محیطمون هم بیشتر می‌شه.

ع: عبور از خطر یا بحران؛

بذارید یه مثال براتون بزنم. شما دیدید توی بعضی خانواده‌ها، به خاطر اینکه بچه‌های کمی دارند، بیشتر دعا و بحث بین خانواده وجود داره؟! و باعث قهر، ناراحتی، ناآرامی و ... می‌شه؟! اینا همش به خاطر نبود بچه زیاد توی خانواده است. اگه بچه‌ها زیاد باشند، آن قدر با هم دیگه بازی می‌کنند و لذت می‌برند که خسته می‌شن و دیگه هیچ حس و حالی برای دعا براشون باقی نمی‌مونه. وقتی جمعیت زیاد باشه خطر این دعوها و قهرها و سروصداها و ناراحتی‌ها دیگه وجود نداره. این خانواده از خطر جنگ و دعا عبور می‌کنه. توی کشور هم همین طوره. کشوری که جمعیت جوان، سالم، قوی و فعال داره، دیگه احساس خطر نمی‌کنه و از خیلی از خطرهای عبور می‌کنه. مثل چی؟ مثل خطر پیر شدن همه افراد جامعه.

ی: یارویاور یکدیگر؛

بچه‌ها خودتون رو کوچیک ندونید. شما الان هم خیلی قوی هستید. باید دست به دست هم بدیم و کاری کنیم که کمک حال و یارویاور کشور باشیم. چه جوری؟ با آگاه کردن دیگران و خبر کردن پدر و مادرهای خودمان از این خطر بزرگ و خطرناک که وجود داره. مثلاً بهشون بگیم: ماما و بابای مهربونم اگه من خواهر و برادر نداشته باشم، بعداً که



بزرگ تر شدم، هم تن ها می شوم، هم کسی نیست که در سختی ها کمکم کنه، هم کشورمون ممکنه ضعیف بشه.

ت: تمام شدن تنهایی؛

جمعیت زیاد هم در خانواده تنهایی رو از بین می بره و هم در کشور و جامعه. کشوری که جمعیتش زیاده، دیگه تن ها و ضعیف نیست و کسی نمی تونه به اون کشور زور بگه.

جمع بندی:

خب توی این جلسه فهمیدیم که: ایران یه کشور خیلی قدیمی است. دشمنان ما برای اینکه ایران رو نابود کنند، می گفتن نباید جمعیت ایران زیاد بشه. اگه می خواهیم کشوری قوی داشته باشیم باید جمعیتمون زیاد باشه. به امید اون روزی که با کمک شما قهرمانان، باعث نجات ایران اسلامی باشیم.

دعای پایانی:

همه دست ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می بریم بالا با هم دیگه می کنیم دعا
خدا ماها رو دوست داره دعاها مونو قبول داره

✿ خدایا به ما کمک کن کشورمون رو قوی نگه داریم.

✿ خدایا به ما کمک کن که همیشه یارویاور کشورمون باشیم.

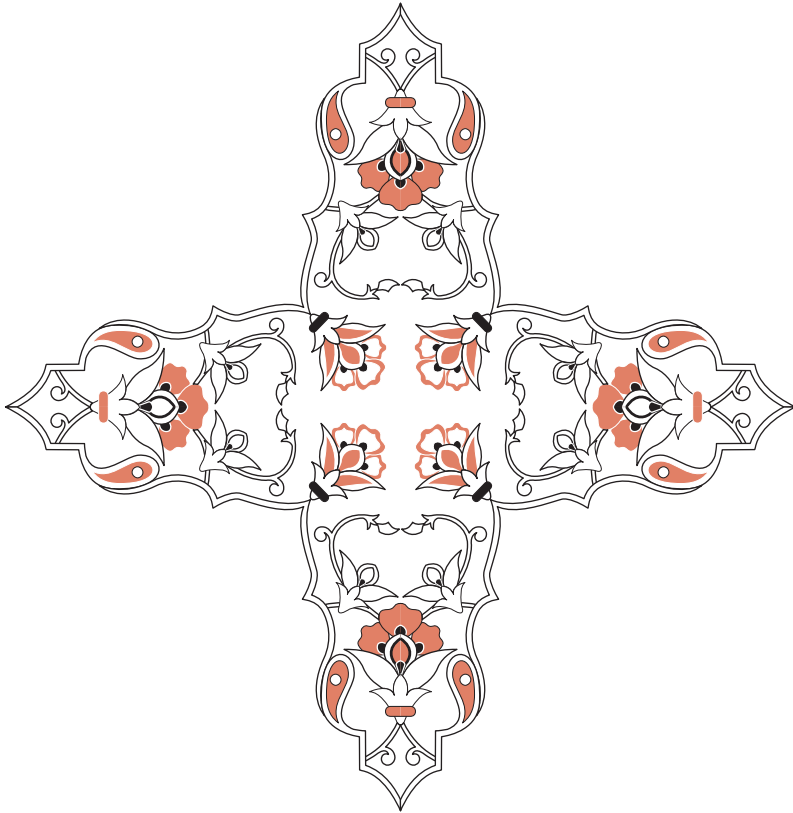
✿ خدایا دشمنان کشور ما رو نابود کن.

✿ خدایا جمعیت کشور ما رو هم زیاد کن و هم بهشون قدرت بده.

✿ ان شاء الله که کشوری قوی داشته باشیم، بلند صلوات بفرستیم.

✿ اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم



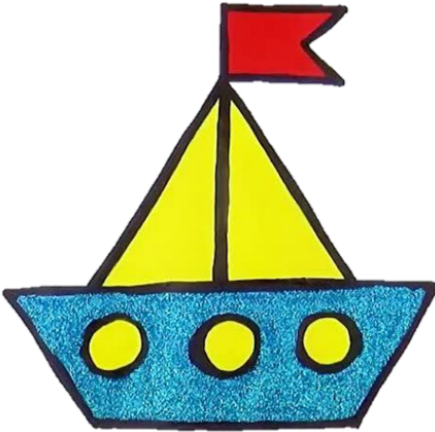


کشتی نجات!

(اجتماع حول محور اهل بیت و امام حسین علیهم السلام)

شروع ابتدای کلاس:

به نام خداوند رنگین کمان
خداوند بخشنده مهربان
سلام خدای مهربون به شما عذارای امام حسین مهربون.



شروع با معمای نقاشی:

بچه ها من یه شکلی رو می کشم،

بینم کی می تونه زودتر حدس بزنه که چیه؟

بله درسته آفرین! این یه کشتی است.

از کشتی، توی دریاها خیلی استفاده می شه.

اگه کشتی نباشه ما نمی تونیم کارهایی که توی

دریا داریم رو انجام بدیم. مثلاً نمی تونیم توی

آب دریا بریم و لذت ببریم. نمی تونیم تور بیندازیم و از غذاهای خوشمزه دریایی بخوریم.

تازه نمی تونیم به بعضی کشورها سفر کنیم. یا حتی کالایی هم نمی تونیم به دیگر کشورها

بفرستیم.

خلاصه بچه ها کشتی آن قدر مهمه که میگن برخی از کشورها بر سر اولین سازنده اون

دعوا دارن! بعضی ها میگن اولین کشتی ها مربوط به کشور مصر است، اما خیلی ها هم

هستند که ادعا می کنند برای اون هاست.

یه سؤال: بزرگ ترین کشتی که تا حالا ساخته شده کی می دونه مال چه شخصی هست؟

بله. مربوط به یکی از پیامبران ماست به نام حضرت نوح علیه السلام.

کی داستان حضرت نوح و کشتی رو می دونه؟^۲

قالب تشبیهی:

تشبیه دنیا به دریا:

بچه ها می دونید دنیا مثل دریاست؟

۱- مربی باید به آرامی و مرحله به مرحله نقاشی را بکشد و پس از هر مرحله، از متربیان پرسش کند.

۲- در صورتی که متربیان پاسخ کامل را نمی دانند، مربی باید به اجمال به توضیح آن بپردازد.



لقمان حکیم به پسرش میگه: یا بُنَّیَّ؛ ای پسر! إِنَّ الدُّنْیَا بَحْرٌ عَمِیقٌ؛ دنیا دریای عمیقی است.^۱

کیا می دونند شباهت های دنیا و دریا چیه؟^۲

۱. همین طور که دریا خیلی بزرگه، دنیا هم خیلی بزرگه.

۲. توی دریا، آب فراوانی وجود داره، توی دنیا هم انسان های فراوانی وجود دارند.

۳. توی دریا انواع و اقسام موجودات، با شکل و رنگ های مختلف هستند، توی دنیا هم افرادی با نژاد و رنگ های متفاوت هستند.

۴. دریا حدود مرز داره، دنیا هم حدود مرز داره.

۵. توی دریا موجودات خوب و بد و خطرناک هست، توی دنیا هم انسان های خوب و بد هستند.

حالا که فهمیدیم دنیا مثل دریاست، من یه سؤالی می خوام بپرسم.

برای دریانوردی باید چی داشت؟ آفرین! ... کشتی ...

همین طور که اگه بخواهیم توی دریای طوفانی سالم بمونیم، باید سوار یه کشتی مطمئن و خوب بشیم، توی دنیا هم اگه بخواهیم زندگی کنیم و سالم بمونیم، باید سوار کشتی مخصوص بشیم.

حالا سؤال اصلی و مهم:

به نظرتون کشتی مخصوص دنیا که ما رو نجات میده چیه؟^۳

کشتی نجات اهل بیت:

اونایی که می خوان جواب رو بفهمند، اولاً همه با هم، شادی دل ۱۴ معصوم، یه صلوات بلند بفرستیم. (اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم) دوماً پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) جواب سؤال ما را داده اند.

پیامبر مهربون ما در یه روایت خیلی خیلی قشنگ می فرماید:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ همانا مثل خاندان من در میان شما به

۱- الکافی، ج ۱، ص ۱۶، ح ۱۲.

۲- مشارکت گیری از متریبیان فراموش نشود. اگر پاسخ متریبیان صحیح بود، مربی روی تابلو نوشته و توضیحات کامل آن را ارائه دهد.

۳- مربی نظرات متریبیان را شنیده و پاسخ های آنان را در گوشه ای از تابلو یادداشت کند. اگر کسی پاسخ صحیح داد، جهت تشویق، جایزه فراموش نشود.

کشتی نوح می ماند.

مَنْ رَكِبَهَا نَجَا؛ هر که بر آن سوار شد نجات یافت.

وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛ و هر که از آن بازماند غرق شد.^۱

یادتونه از کشتی حضرت نوح گفتیم که فقط کسانی نجات پیدا کردند که سوار شده بودند؟ پس با این روایت قشنگ پیامبر مهربونمون می فهمیم که اگه الآن هم ما می خواهیم نجات پیدا کنیم و در دریای دنیا غرق نشیم، باید سوار بر کشتی اهل بیت بشیم. یعنی اگه هر کاری که اهل بیت به ما گفتند انجام دادیم و از کارهایی که اونا فرمودند دوری کنید، ما دوری کردیم، مطمئناً نجات پیدا خواهیم کرد و در دام شیطان نخواهیم افتاد و شیطان هیچ وقت دستش به ما نخواهد رسید. سوارشدن در کشتی نجات اهل بیت مساوی است با غرق نشدن در دام شیطان.

اما بچه های امام حسینی! می خوام یه مزده خیلی خوب بهتون بدم. به نظر شما اگه یه کشتی ای باشه که خیلی بزرگ تر از بقیه باشه و سریع تر از همه کشتی ها حرکت کنه، لذت نداره ما بریم سوار اون بشیم؟ مطمئناً سوارشدن بر چنین کشتی ای، آرزوی همه ماها خواهد بود. چون این مدل کشتی ها، هم زودتر به مقصد می رسند و هم افراد بیشتری توی کشتی جا می شن و همیشه جا برای همه خواهد بود.

اما نمی خواد آرزو کنید! شما همین الآن هم سوار بر چنین کشتی بزرگ و سریعی هستید! شاید بگید حاج آقا ما که الآن توی کلاسیم و سوار بر کشتی نیستیم!! بله بچه ها الآن ما سر کلاسیم اما منظورم همون کشتی بود که پیامبر فرمودند؛ اهل بیت مثل کشتی حضرت نوح هستند. یعنی همین الآن که شماها سر کلاس نشستید و به این خوبی در حال گوش دادن به ویژگی ها و معارف اهل بیت هستید، یعنی سوارشدن در کشتی ۱۴ معصوم و اهل بیت. اما اون مزده ای که می خواستم بهتون بگم اینه که درسته که همین الآن سوار بر کشتی اهل بیت هستیم اما باید بهتون بگم که شما بچه های خوب و دوست داشتنی و امام حسینی، سوار بر همون کشتی بزرگ تر و سریع تر هستید! کی می دونه از کجا این حرف رو می زنم؟

آفرین به همه بچه هیئت ها! بچه ها سریع ترین کشتی و بزرگ ترین کشتی دنیای

امروز، امام حسین علیه السلام است.



اما شاید براتون سؤال بشه که حاج آقا از کجا این حرف رو می‌زنی که کشتی امام حسین (علیه السلام) بزرگ‌تر و سریع‌تر از کشتی بقیه امامان ماست؟! از این داستان قشنگ و زیبای امام صادق (علیه السلام): می‌گه یه آقای یه اومد پیش امام صادق (علیه السلام) و سؤال کرد: یا بن رسول الله! ای پسر پیامبر! مگه همه اهل بیت (علیهم السلام) کشتی نجات نیستند؟ پس چرا می‌گویند "إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهَدْيِ وَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ" چرا می‌گویند امام حسین (علیه السلام) چراغ هدایت و کشتی نجات است؟ امام صادق (علیه السلام) در جواب اون مرد، فرمودند: همه ما اهل بیت کشتی‌های نجاتیم، ولی کشتی جدم حسین (علیه السلام) وسیع‌تر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریع‌تر است.^۱

تشبیه کشتی و امام حسین (علیه السلام):

راستی یه سؤال:

حالا که گفتیم کشتی امام حسین (علیه السلام) بزرگ‌تر و سریع‌تره، به نظرتون چه شباهت‌هایی بین امام حسین (علیه السلام) و کشتی می‌تونه باشه؟ بیاید با کمک هم دیگه این شباهت‌ها رو بنویسیم:

۱. کشتی برای راهنمایی و هدایت کردن به سمت مقصد نقشه داره، امام حسین (علیه السلام) هم یه نقشه زیبا داره و اون قرآنه.
۲. کشتی برای حرکت و هدایت خود کشتی بادبان داره، امام حسین هم با گفتار و رفتار و عملش نوری داره برای حرکت مردم به سمت ایشان.
۳. کشتی افراد مختلفی که بلیت دارن رو سوار می‌کنه، امام حسین (علیه السلام) هم همه رو سوار کشتی خودش می‌کنه و همه رو نجات میده، اما نه نیاز به بلیت هست نه گلچین می‌کنه، یعنی هم خوب‌ها رو راه میده و هم بد‌ها رو.
۴. کشتی یه بوق داره برای هوشیاری و شروع و پایان و احتمال خطر، امام حسین (علیه السلام) هم هر سال اول ماه محرم با هیئت و عزاداری سراسری، یه ندایی در سراسر عالم میده که: آی مردم! ماه عزای من شروع شده! هر کی می‌خواد سوار بشه بسم الله.
۵. کشتی چیزهای دیگه‌ای هم داره مثل ناخدا، ملوان، سکان‌دار، آشپز و... امام حسین

۱- کلنا سفن النجاة و لكن سفينة جدی الحسين اوسع و فی لجة البحار أسرع؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۲۲، حدیث ۱۴.

(علیه السلام) هم در هیئت، بانی مجلس، روضه خوان، مداح، آشپز و خادم و ... داره. بچه‌ها الآن هم ماه محرم هست و امام حسین (علیه السلام) هم مثل حضرت نوح ما رو به کشتی نجات خودش دعوت کرده تا از غرق شدن ما در دنیا با حيله‌های شیطان جلوگیری کنه و امروز ما باید پاسخ این دعوت امام حسین (علیه السلام) رو، لبيک بگیم و جواب بدیم. می‌پرسید چطوری؟ با یه راه خیلی ساده. ببینیم امام حسین (علیه السلام) از چه چیزی رضایت داره و خوشحال می‌شه، همون کارها رو نه فقط توی محرم، بلکه توی تمام سال انجامش بدیم. مثل چی؟ مثل: پشت هم بودن، دست به دست هم دادن، برای هر کاری در کنار هم بودن و ...

یه نمونه از اونا همین الآن در هیئت می‌شه: شربت یا چای دادن با کمک هم دیگه (چای رو شما بریزی، یکی از دوستانت بین مردم پخش کنه، دوست دیگری استکان‌های هیئت رو جمع کنه، یه نفر دیگه استکان‌ها رو بشوره و ...)

جمع بندی:

خب توی این جلسه فهمیدیم که: کشتی در دریا چقدر اهمیت داره و چه کارهایی برای ما می‌کنه ... مثلاً آگه نباشه ما غرق می‌شیم. دنیا مثل دریاست و برای غرق نشدن در دنیا باید سوار کشتی شد. بهترین کشتی، کشتی اهل بیت علیهم السلام هست و اگر سوار بر کشتی اهل بیت شدیم، هرگز در دام شیطان غرق نخواهیم شد. بزرگ‌ترین و سریع‌ترین کشتی، کشتی امام حسین است. برای سوار شدن به کشتی باید کارهایی کرد که دل امام حسین رو شاد کنیم مثل شرکت کردن در هیئت، یا کمک کردن در هیئت، البته به همراه دوستانمون.



تکلیف:

بچه های گلم! برای جلسه بعدی همه تون یه نقاشی خوشگل و زیبا از کشتی نجات امام حسین علیه السلام بکشید و برامون بیارید.

دعای پایانی:

همه دست ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می بریم بالا باهم دیگه می کنیم دعا

خدا ماها رو دوست داره دعاها مونو قبول داره

❁ خدایا به همه ما کمک کن که همیشه در راه و مسیر اهل بیت و امام حسین (علیهم السلام) باشیم.

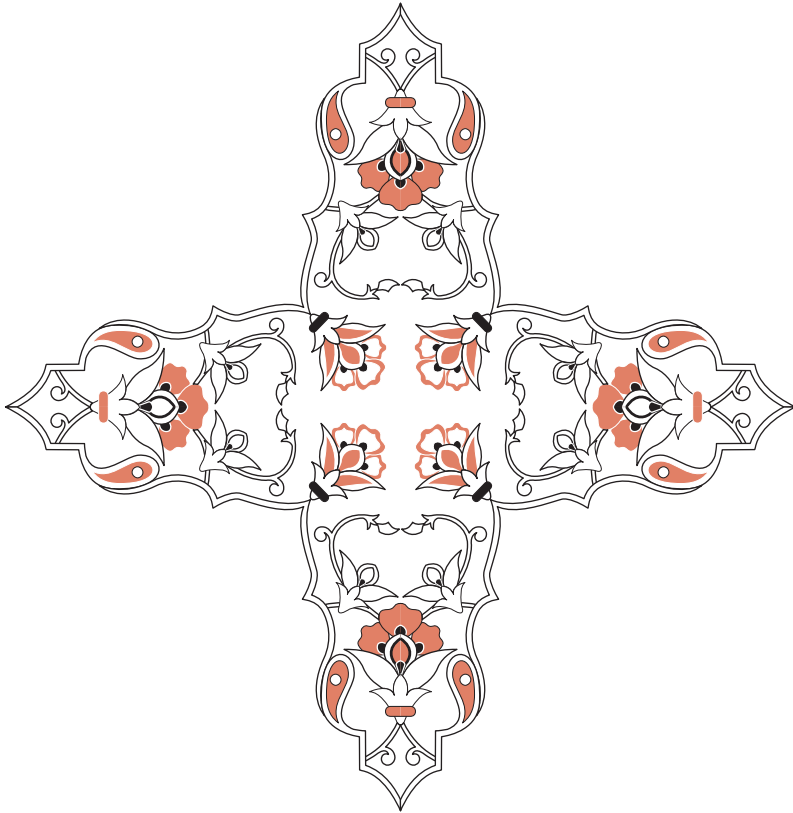
❁ خدایا به همه ما کمک کن که سوار کشتی اهل بیت بشیم.

❁ خدایا به ما کمک کن که همگی در خانه اهل بیت، همیشه با هم متحد و همدل باشیم.

❁ خدایا ما را از در خانه امام حسین (علیه السلام) جدا نکن.

❁ دعای امام حسین (علیه السلام) پشت سر همه مردم کشور ما باشه بلند صلوات بفرستید.

❁ اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



فقط به عشق حسین

(مواسات راه نزدیکی به امام حسین علیه السلام)

شروع ابتدای کلاس:

به نام آن که دل کاشانه اوست
چراغ هرکسی در خانه اوست
از اونجایی که همیشه می‌گیم سلام نشانه ادبه، پس با عشق و مهربانی سلام.
جلسه قبلی گفتیم که: ما باید همگی در خانه اهل بیت، همیشه با هم متحد و همدل
باشیم و اگه می‌خواهیم در این دنیای نامرد، خوب و سالم بمونیم، باید سوار بر کشتی
نجات امام حسین (علیه‌السلام) بشیم.

شروع با شعر:

بچه‌ها من یه شعری رو براتون می‌خونم که شاید همه شنیده باشید، اما باهاش کار
دارم. پس با دقت گوش بدید.

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامد نهند آدمی

بچه‌ها این شعری که براتون خوندم و همه تون هم شنیدید، یعنی چی؟^۱ من چند تا
جواب رو می‌گم، شما بگید درسته یا غلطه. این شعر یعنی:

- ❖ ما آدم‌ها همه از یک پدر و مادر هستیم.
- ❖ ما آدم‌ها همیشه باید به هم کمک کنیم.
- ❖ اگر یک جایی از ما درد بگیره کل بدن ما اذیت می‌شه.
- ❖ ما باید همیشه به فکر دیگران باشیم.
- ❖ انسان‌های بد، به فکر دیگران نیستند.

قالب عددی - انواعی:

احسنت به شما بچه‌های نازنین که درست گفتید. همه این معانی درسته اما من
می‌خوام معنی کاملش رو هم براتون بگم:
ببینید بچه‌ها همه ما انسان‌ها از یک پدر و مادر مشترک که حضرت آدم و حوا بودند به

۱- مشارکت‌گیری از متریبیان فراموش نشود.



دنیا آمدیم. در واقع همه ما یکی هستیم.

وقتی سر یا دندان یا چشم یا هر یک از اعضای بدنتان درد میگیره، زبان نمیتونه بگه که سر یا دندان یا چشم، شماها درد بکشید و من کاری با شما ندارم! چون همه به هم مربوطانند. وقتی که چشم یا دندان، درد بگیره، زبان اولین جایی است که صداش در میاد و شروع می‌کنه به داد و فریاد و ناله و گریه کردن. حالا تمام انسان‌ها هم مثل یه بدن هستند. وقتی که یه نفر مشکلی برایش پیش میاد، کل انسان‌ها باید آن مشکل را حس کنند. باید همگی به او کمک کنند و مشکلش را حل کنند.

بچه‌ها یه نکته خیلی مهم: اگر کسی مشکلات انسان‌های دیگه برایش مهم نباشه، و به فکر کمک به آن‌ها نباشه، در واقع مسلمان بودن خودش رو زیر سؤال برده! اصلاً چنین کسی از مسلمان بودن خارج شده و دیگه بهش مسلمان هم نباید گفت! از کجا این حرف رو می‌زنم؟ از روایت نورانی پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) که فرمودند: هر کس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست.^۱ پس ما باید همیشه به فکر کمک به دیگران باشیم.

اگه ما به دیگران کمک کنیم، نتایج خیلی خوبی برای ما و دیگران داره که من فقط به ۳ تا اشاره می‌کنم:^۲

۱. حل شدن مشکلات جامعه و هم‌نوعانمان؛

اولین نتیجه‌ای که کمک ما داره، برطرف شدن مشکلات دیگران است. وقتی مشکلات دیگران حل می‌شه، اونا به آرامش می‌رسند و قبلاً گفتیم با این کار ما هم به آرامش می‌رسیم.

۲. پس‌انداز دنیایی و آخرتی؛

کمک رساندن به دیگران، نه‌تن‌ها به آخرت ما کمک می‌کنه و ذخیره‌ای برای آخرت ماست، بلکه یه نوع سرمایه‌گذاری دنیایی هم هست! چون وقتی شما الان به کسانی که دچار مشکل شدند، کمک کردید، مسلماً در روزهای سخت و زمانی که شما دچار مشکل شوید، آن‌ها هم به شما کمک می‌کنند.

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

۲- مربی گرامی جهت تمرکز بخشی و توجه‌دهی به مطالب، بهتر است مطالب به صورت تیتروار روی تابلو نوشته شوند.

نمونه آن را در زلزله و سیل در کشورمان دیدیم. وقتی در کرمانشاه زلزله آمد، مردم تمام ایران برای آن‌ها کمک فرستادند و وقتی سال بعد در لرستان سیل آمد، همان مردم زلزله زده، برای مردم لرستان کمک فرستادند و گفتند آن‌ها در موقع سختی زلزله، به ما کمک کردند و الآن وظیفه ماست به آن‌ها کمک کنیم.

یا در زمانی که عراق دچار درگیری با نیروهای آمریکایی و دشمنان و داعش بود، ایران به آن‌ها کمک کرد و وقتی سیل در خوزستان آمد، نیروهای عراقی هم برای مردم خوزستان کمک فرستادند.

۳. باعث دوستی و محبت می‌شود؛

وقتی در مشکلات و گرفتاری‌ها، به هم‌نوعان کمک کردی، مسلماً این کمک‌ها باعث می‌شود که در دل آن‌ها محبت شما ایجاد بشود و اگر ناراحتی یا کدورتی وجود داشته باشد، آن را کنار بگذارند و از بین برود.

بالاتر از همه این‌ها می‌دویند چیه؟ شما وقتی به دیگران کمک می‌کنید باعث خوشحالی و رضایت خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌شود و چی بهتر از این که اهل بیت شما رو دوست داشته باشند. رفقا می‌دویند یکی از ویژگی‌های یاران امام حسین (علیه‌السلام) همین کمک کردن به دیگران بوده است؟! یعنی اگه من و شما اهل کمک کردن به دیگران بشیم، یعنی شبیه یاران حضرت شده‌ایم و این یعنی به امام حسین (علیه‌السلام) هم نزدیک تر شده‌ایم.

اما بچه‌ها جالبه بدونید که این کمک کردن به دیگران، انواعی داره.

انواع کمک‌رسانی:

۱. کمک مالی؛

گاهی وقت‌ها یکی به مشکلی داره که با کمک پولی به او می‌تونن نیازش را برطرف کنن. مثل امام‌های مهربون ما که به نیازمندان کمک مالی می‌کردند.

۲. کمک بدنی؛

گاهی کمک کردن، کمک بدنی است. یعنی طرف به کاری داره مثل ساختمان‌سازی،

۱- مریبان عزیز در صورتی که مشکل ضیق وقت ندارند، می‌توانند برای تمامی موارد از سیره اهل بیت مخصوصاً امام حسین (علیهم‌السلام) استفاده کنند.



تعمیر خانه یا تمیزکردن منزل یا حمل وسایل یک ناتوان و ... که در این موارد هم ما میتونیم به دیگران کمک کنیم.

۳. کمک فکری؛

یک موقع طرف به مشکلی خورده و نیاز به همفکری و مشورت داره که ما می‌تونیم به او مشورت بدیم و مشکلش رو حل کنیم.

۴. کمک معنوی؛

گاهی وقت‌ها کمک کردن معنوی است مثلاً آن شخص، دچار مشکل شده و ما نه پولی داریم که کمکش کنیم و نه توان بدنی داریم که بریم کمک کنیم. حداقل کاری که اینجا می‌شه انجام داد این است که دعاش کنیم و از خدا بخواهیم مشکلش حل بشه. مثل دعاهای اهل بیت در حق کسانی که با دعا مشکلشان حل شد یا بیماری آن‌ها شفا پیدا کرد.

۵. کمک جانی؛

بالاترین نوع کمک کردن هم، گذشتن از جان خود، به خاطر دین و میهن دیگران است. کسی می‌تونه مثال بزنه؟ آفرین! حاج قاسم سلیمانی، حاج حسین همدانی، محسن حججی، حاج همت و دکتر چمران^۱ و ...

شادی روح همه شهدا مخصوصاً شهدای کشورمون، صلوات بفرستید. اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

اما حتماً یادتون باشه که کمک کردن هم شرایط خاص خودش رو داره که باز هم ۳ تاش رو توضیح میدم:

۱. کمک باید بدون مرز باشه؛

ما نباید فقط به فکر فامیل یا هم‌شهری یا هم‌وطن خودمان باشیم، بلکه هر انسانی که در هر جای دنیا نیاز به کمک داشته باشه، ما باید به او کمک کنیم و کاری نداشته باشیم که هم کشوری ماست یا در آن طرف دنیا است. سیاه‌پوسته یا سفیدپوست. بی‌دین است یا دین‌دار. فقط انسان بودن او برای ما مهم است.

شما نگاه کنید به امام حسین (علیه‌السلام) وقتی سپاه دشمن به او میرسه و جلوی

۱- مربی می‌تواند از مترجمان جهت نام بردن از شهدای منطقه یا شهر خود استفاده نماید.



امام را میگیرند، اولین کاری که امام حسین (علیه السلام) انجام میدهند به دشمنانشان آب میدهند.

و یا بقیه امامانمون (علیهم السلام) شبانه غذا برای فقرا و یتیمان میبردند و برایشون فرقی نداشت که دشمن اهل بیت باشند یا دوست. بلکه فقط به چشم اینکه نیازمند هستند به آن‌ها نگاه می‌کردند.

۲. کمک باید بدون منت باشه؛

انسان اگر کمکی انجام میده، باید فقط برای خدا انجام بده و چشمداشتی از کسی جزء خدا نداشته باشه. اگه به کسی کمک کردی و براو منت گذاشتی و به روی او آوردی، ارزش کمکت از بین میره. امام رضا (علیه السلام) وقتی میخواستند به فقیری کمک کنند، از پشت در پول را در دست فقیر میگذاشتند تا چهره فقیر را نبینند و فقیر خجالت نکشد.

۳. کمک با تمام وجود باشه؛

کمکی که انجام می‌شه، باید با تمام وجود باشه، نه به خاطر ریا و پُز دادن. اگه کاری رو به خاطر ریا انجام دادی، باید بدونی که این کار تو هیچ ارزشی نداره که هیچ، تازه باعث ناراحتی اهل بیت هم می‌شه.



جمع بندی:

خب امروز توی این جلسه چی گفتیم؟ گفتیم که:

اولاً بنی آدم اعضای یکدیگرند.

دوماً ما باید به دیگران کمک کنیم.

سوماً کمک کردن به دیگران، فوائد زیادی برای ما داره که مهم ترین اونا نزدیک

شدن به امام حسین (علیه السلام) است.

چهارماً کمک کردن انواع مختلفی داره مثل کمک های مالی، بدنی، فکری،

معنوی و جانی.

پنجماً کمکی که می‌کنیم باید بدون مرز و بدون منت و از عمق وجود باشه.

تکلیف:

چون کلاس امروزمون درباره کمک کردن بود، شما هم یه نقاشی بکشید درباره کمک کردن به دیگران مثل نذری دادن، یا صدقه دادن، و یا هر مدل کمکی که خودت دوست داری.

دعای پایانی:

همه دست ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می بریم بالا باهم دیگه می کنیم دعا

خداماها رو دوست داره دعاهامونو قبول داره

❖ خدایا به ما توفیق بده که به دیگران کمک کنیم.

❖ خدایا به ما کمک کن که با کمک کردن به دیگران به امام حسین (علیه السلام)

نزدیک بشیم.

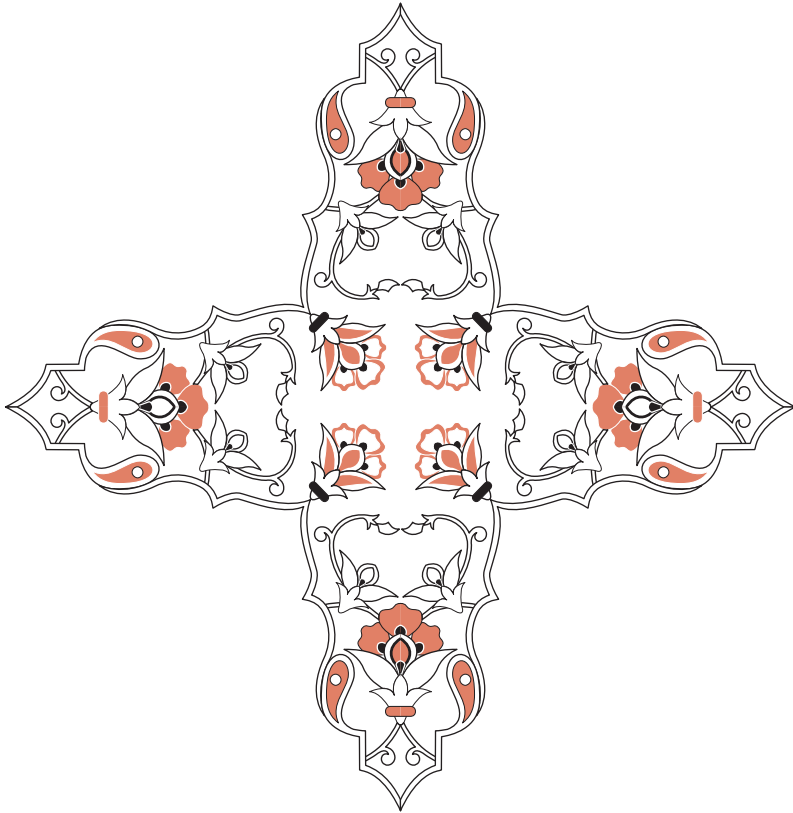
❖ خدایا به ما کمک کن که همه جوهره و بدون منت، کمک حال دیگران باشیم.

❖ کسانی که دوست دارند به دیگران کمک کنند، به عشق امام حسین (علیه السلام)

صلوات بفرستند.

❖ اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم





برای ظهور کاری کنیم!

(همبستگی، رمز ظهور امام زمان (عج))

شروع ابتدای کلاس:

به نام خداوند عشق و صفا
به نام خدایی که بر بندگان
خداوند مردان راه خدا
ببخشاید و بس بود مهربان

یه سلام امام حسینی به عاشقان امام حسینی.
در جلسه قبل گفتیم: یکی از بهترین راه‌های نزدیک شدن به امام حسین (علیه السلام)
کمک کردن به دیگران است.

اما بهترین کمک به همه انسان‌های روی کره خاکی و تمام جهانیان عالم، آمدن امام
زمان (عج) است. پس برای آمدن امام زمان بلند صلوات می‌فرستیم.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

شروع با شعر:

سلام من به مهدی و به قلب آسمانی اش	سلام من به پاکی و به لطف و مهربانی اش
سلام من به قد او سلام من به قامتش	سلام من به قدرت امامتش
سلام من به بوسه‌ای که می‌رسد به دست او	سلام من به حضرتی که داده مهر و آبرو
سلام من به لحظه‌ای که می‌رسد عبور او	سلام من به لحظه‌ای که می‌رسد ظهور او

بچه‌های نازنین ان شاء الله همیشه و هر جا که هستیم یاد امام زمان (عج) رو فراموش
نکنیم و برای ظهورش دعا کنیم. حالا با هم دیگه دستامون رو می‌اریم بالا و دعای سلامتی
امام زمان (عج) رو با هم می‌خونیم.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ * صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ * وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَ دَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا * وَتَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

بچه‌ها یک سؤال می‌خوام بپرسم. تابه حال با خودتون فکر کردید^۱ که چرا با اینکه ما همه برای ظهور امام زمان (عج) دعا می‌کنیم، ولی حضرت ظهور نمی‌کنند؟! شاید بعضی‌ها بگن: چون خوب دعا نکردیم. بعضی‌های دیگه بگن: چون هنوز ما خوب نشدیم. یه عده دیگه بگن: چون هنوز آدمهای بد وجود داره. ممکنه برخی‌ها بگن: واسه اینکه آدمهای خوب کم هستند. یا بگن: چون مردم با هم دعا می‌کنند.

و ...

بچه‌های نازنین همه این جواب‌ها درسته ولی هیچ‌کدوم اون دلیل اصلی برای ظهور نیست. برای ظهور حضرت یه رمز وجود داره و تا اون رمز درست نشه، همه این چیزهایی که گفتید درست نمی‌شه و امام زمان (عج) ظهور نمی‌کنند.

قالب نمادین:

اما آن رمز چیه؟! خود امام زمان (عج) جوابش رو به ما یاد دادند. من روایت حضرت رو می‌خونم، شما بگید رمز ظهور چیه. حضرت می‌فرمایند: اگه شیعیان ما، در وفای به عهدشون، همدل و همبستگی داشتند، برکت دیدار ما برای آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد.^۲ خب به نظرتون ما چی نداریم که نمی‌تونیم حضرت رو ببینیم؟ آفرین به شما بچه‌های باهوش امام حسینی! مشکل ما این جاست که همدلی و هم‌بستگی نداریم.

۱- ضرورت مشارکت‌گیری فراموش نشود.

۲- احمدبن علی، طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹؛ وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا؛ اگر شیعیان ما، که خداوند توفیق طاعت خویش را عطاایشان فرماید، در وفا به پیمانی که بر عهده دارند، هم‌دل می‌شدند، برکت دیدار ما از ایشان تأخیر نمی‌افتاد و همانا سعادت دیدار ما با معرفت حقیقی و راستین به ما، به تعجیل نصیب ایشان می‌شد.

پس رمز ظهور، هم بستگی است. اما این هم بستگی یعنی چی؟! هم بستگی یه معنای فوق العاده‌ای داره که ما باید به تمام حرف‌هاش دقت کنیم. یعنی حرف حرف اون برای ما حرف داره. خب بریم سراغ معانی مهم حروفش.^۱

ه: همکاری و همیاری و همراهی؛ بچه‌های نازنین اولین حرف هم بستگی که “ه” هست به ما می‌گه ما باید هم‌دیگه رویاری کنیم و در کارها به هم کمک کنیم و در سختی‌ها و مشکلات هم‌دیگه رو همراهی کنیم و همکار و غم‌خوار هم باشیم یعنی اگه مشکلی برای یکی افتاد، اون مشکل رو مشکل خودمون بدونیم و به اون شخص کمک کنیم تا مشککش حل بشه و از بین بره. با این کار دل امام زمان و بقیه امامان رو خوشحال می‌کنیم. بچه‌ها یکی از بهترین راه‌ها برای به دست آوردن دل امام زمان، کمک و یاری به دیگران است که ثواب‌های زیادی هم داره^۲. وقتی امام زمان می‌بینه ما چقدر همدل و متحد هستیم، به ما امیدوار می‌شن و زودتر تشریف می‌آورند.

م: مرد میدان؛ برای یاری امام زمان باید مرد میدان باشی. چون اگه مرد میدان نباشی با کوچک‌ترین خطر و سختی از میدان خارج می‌شی. اگه مرد میدان نباشی با اولین هشدار دشمن فرار می‌کنی و هم بستگی رو به هم میزنی. یه روایتی هست که میفرماید: یاران امام زمان، مردانی هستند که همانند کوه استوار هستند. مثل حاج قاسم سلیمانی عزیز که جانانه در میدان عمل و جنگ، همیار و همدل مردم بود. در سیل خوزستان و در سیل گلستان رفت و در کنار مردم کمک می‌کرد. در دفاع از حرم اهل بیت در سوریه و عراق هم حضور داشت. قبلش هم که در دفاع مقدس یعنی جنگ کشور خودمون هم شرکت کرده بود. می‌دونید چقدر ارزشمند این کار؟ برای همین بود که با شهادت ایشان، مردم چقدر ناراحت بودند و در تشییع ایشان حضور پیدا کردند. شادی روح مرد میدان، یعنی حاج قاسم عزیز و شهید ابومهدی المهندس و همه شهدامون بلند صلوات بفرستید.

ب: برادری و برابری؛ در هم بستگی برای امام زمان عج باید با هم متحد بود و در کنار هم بود. باید مثل برادر باشیم و با برابری با هم‌دیگه رفتار کنیم. نباید گول نقشه‌های

۱- مربی باید کلمه “هم بستگی” را بزرگ روی تابلو بنویسد، سپس تک‌تک حروف را به ترتیب توضیح داده و سراغ موارد بعدی می‌رود.

۲- پیامبر(صلی الله علیه و آله): کسی که حاجت برادر مؤمن خود را برآورده سازد، مانند کسی است که عمر خود را به عبادت گذرانده باشد؛ الامالی، طوسی، ص ۴۸۱.



دشمن را بخوریم. دشمنی که می‌خواد ما از هم دور باشیم و درد دیگری رو درد خودمون ندونیم. دشمن می‌خواد ما هم مثل خودش خودخواه باشیم. یکی از علت‌هایی که ما از هم دور شدیم، همین فکر بد کردن درباره دیگران و بدجنسی نسبت به دیگران است. به قول حضرت علی علیه السلام:

شما برادر دینی یکدیگرید و آنچه میان شما جدایی انداخته، درون پلید و بدنهادی است، به این سبب باری از دوش همدیگر بر نمی‌دارید و برای هم خیرخواهی نمی‌کنید و به هم بذل و بخشش نمی‌کنید و با هم دوستی نمی‌ورزید.^۱ که البته اگه متحد باشیم و اجتماع داشته باشیم، دشمن دیگه نمی‌تونه گولمون بزنه و این برادری و برابری و هم‌بستگی مان از هم نمیپاشد. بچه‌ها پدران و بزرگان ما زمان جنگ خیلی با هم متحد بودند و برادری و برابری بین اونا موج می‌زد. واسه همین بود که ما پیروز شدیم.

یادتان هست همه عین برادر بودند	تاجر و کارگر انگار برابر بودند
یادتان هست چه شوری همه جابریا بود	عجم و ترک و لرو کرد و عرب آنجا بود
یادتان هست همه گوش به فرمان بودند	سینه چاک سخن پیر جماران بودند
یادتان هست که می‌گفت اگر پُرباریم	همه را از نمک ماه محرم داریم ^۲

ان شاء الله شهدا دستمون رو بگیرند، بلند صلوات.

س: سازندگی؛ برای ظهور باید زمینه‌های آن را بسازیم و جهان را برای امام زمان (عج) آماده کنیم. ما با درس خواندن و متحد شدن و گرفتن مسئولیت‌های مهم و انجام درست و صحیح آن‌ها، باید زمینه‌ساز ظهور باشیم. علاوه بر این باید در سازندگی خودمون هم تلاش کنیم. چه جوری خودمون رو بسازیم؟ با داشتن اعتقادات سالم و صحیح و با قوی کردن بدنمان. تا ان شاء الله بتوانیم امام زمان (عج) رو یاری کنیم.

ت: تلاش و کوشش: ما باید تمام تلاش و کوشش خودمان را انجام بدیم تا این هم‌بستگی را حفظ کنیم و در دام دشمن نیافتیم.

گ: گرد رهبر جمع شدن و گروهی کار کردن: برای اینکه هم‌بستگی ما دوام داشته باشه،

۱- نهج البلاغة، خطبة ۱۱۳.

۲- شاعر: یاسر مسافر

باید گرد رهبری قوی، مدبر، دانا، زیرک و توانا جمع شویم و اجتماع کنیم و چشم و گوش و دل خودمون رو بسپاریم به راهنمایی‌های او و با هم‌دیگه و به صورت گروهی به انجام کارها پردازیم. این کار ما باعث می‌شه از الآن تمرین ولایت‌پذیری از امام زمان (عج) رو داشته باشیم.

ی: یارویاور: برای محقق شدن ظهور باید یارویاور هم‌دیگه باشیم. وقتی یاور هم‌دیگه بودیم، هم‌بستگی ایجاد می‌شه و دیگه هیچ دشمنی توان مقاومت در برابر ما را ندارد.
ان شاء الله که امام زمان به واسطه همدلی و هم‌بستگی ما ظهور کنند، بازهم بلند صلوات.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

تنوع:

خوب بچه‌ها حالا که معنای رمز ظهور، یعنی هم‌بستگی را کامل فهمیدیم، بیاید با هم برای ظهور امام زمان (عج) دعا کنیم.

همگی دست هاتون رو بیارید بالا. من اولش رو می‌خونم، شماها بلند بگید: ”مهدی بیا، مهدی بیا“

مهدی بیا، مهدی بیا	ای نور چشم انبیاء
مهدی بیا، مهدی بیا	ای نور چشم مصطفی
مهدی بیا، مهدی بیا	ای یوسف زهرا بیا
مهدی بیا، مهدی بیا	ای نور چشم مرتضی
مهدی بیا، مهدی بیا	ای منجی و موعود بیا
مهدی بیا، مهدی بیا	ای نور چشم اولیا
مهدی بیا، مهدی بیا	ای مقتدای اولیا

جمع بندی:

پس توی این جلسه فهمیدیم که: رمز ظهور امام زمان (عج) فقط و فقط همدلی و هم‌بستگی ماست و معنای کامل هم‌بستگی رو هم توضیح دادیم.



دعای پایانی:

همه دست‌ها رو میاریم بالا که دعا کنیم:

دستامونو می‌بریم بالا
خدا ماها رو دوست داره
با هم‌دیگه می‌کنیم دعا
دعاهامونو قبول داره

❁ خدایا امام زمان (عج) ما را برسان.

❁ خدایا ما را از یاران امام زمان (عج) قرار بده.

❁ خدایا با همدلی و همبستگی ما، ظهور امام زمان (عج) را نزدیک‌تر قرار بده.

❁ ان شاء الله که همگی مقدمه‌ساز ظهور امام زمان (عج) باشیم، بازهم صلوات بلند

بفرستید.

❁ اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم